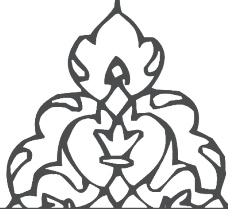




شهر
س

۷

د
خن



کوثر عشق

نمونه فیش سخنرانی
ویژه ایام فاطمیّه

۱۴۳۶ هـ.ق



مرکز تحقیق و پژوهش در امور مساجد
دفتر مطالعات و پژوهش

عنوان کتاب شهید سخن ۷ / کوثر عشق

نمونه فیش سخنرانی ویژه فاطمیه ۱۴۳۶ ه.ق

تهیه دفتر مطالعات و پژوهش های مرکز رسیدگی به امور مساجد

تحقیق و پژوهش: حجت الاسلام هاشمی نسب، حجت الاسلام ابوالمعالی

صفحه آرایی: کارگاه طراحی و گرافیک کمان

نوبت چاپ اول، اسفندماه ۹۳

نشانی قم، ۴۵ متری آیت الله صدوقی رحمته الله علیه

۲۰ متری حضرت ابوالفضل علیه السلام، پلاک ۱۰۳

کد پستی ۳۷۱۳۱۶۳۴۳۱

تلفن ۳۶ - ۳۲۹۲۳۸۳۵ - ۰۲۵

دورنگار ۳۲۹۲۳۸۳۷ - ۰۲۵

فهرست

۷	مقدمه
۱۱	شب اول
	ولایت مداری حضرت زهرا <small>علیها السلام</small>
۱۳	انگیزه سازی
۱۴	اقناع اندیشه
۱۹	پرورش احساس
۲۰	رفتار سازی
۲۲	روضه
	■
۲۵	شب دوم
	استقامت تاریخی حضرت زهرا <small>علیها السلام</small>
۲۷	انگیزه سازی
۲۸	اقناع اندیشه
۳۲	پرورش احساس
۳۴	رفتار سازی
۳۵	روضه

شب سوم ۳۹

نقش تاریخی حضرت زهرا علیها السلام در ثبات جامعه اسلامی

۴۱. انگیزه سازی
 ۴۲. اقناع اندیشه
 ۴۷. پرورش احساس
 ۴۹. رفتارسازی
 ۵۰. روضه

شب چهارم ۵۵

هدایت‌گری حضرت زهرا علیها السلام

۵۷. انگیزه سازی
 ۵۹. اقناع اندیشه
 ۶۴. پرورش احساس
 ۶۶. رفتارسازی
 ۶۷. روضه

شب پنجم ۷۱

بصیرت‌دهی حضرت زهرا علیها السلام

۷۳. انگیزه سازی
 ۷۵. اقناع اندیشه
 ۸۰. پرورش احساس
 ۸۲. رفتارسازی
 ۸۴. روضه

مقدمه

«بسم الله الرحمن الرحيم»

وجود مقدس پیامبر اکرم ﷺ به فرموده قرآن، اسوه شایسته همه خدا باوران است: لقد كان لكم في رسول الله اسوة حسنة لمن كان يرجو الله واليوم الآخر و ذكر الله كثيراً؛ مسلماً برای شما در زندگی رسول خدا ﷺ سرمشق نیکویی می باشد، برای آنها که امید به رحمت خدا و روز رستاخیز دارند خدا را بسیار یاد می کنند (احزاب ۲۱).

اقتداء و تاسی کامل به رسول خدا ﷺ توفیقی است که تنها نصیب کسانی خواهد شد که دل در گرو عشق خداوند دارند و او را بسیار یاد می کنند. رسول مکرم ﷺ که خود شایسته ترین اسوه حسنه مؤمنان هستند، به کرات یگانه دخترش را پاره وجود خویش، روح و ریحان خویش و جان و جانان خویش می خواند و با تعابیری گوناگون رضایت او را رضایت خود و ناراحتی او را ناراحتی خود اعلام می دارد. چنین تاکیدات متواتری از جانب رسول الله ﷺ به چه هدفی صادر گردیده است؟ چرا پیامبر رحمت، بر این حقیقت فراوان تاکید می ورزد که

فاطمه، پاره‌ای از وجود من است؟ آیا این همه تاکید جز برای آن است که توجه همه مؤمنان طول تاریخ را به اسوه‌پذیری از ابعاد زندگانی فاطمه، در مقام استمرار بخش سیره پیامبر ﷺ جلب کند؟ چرا چنین نباشد در حالی که وجود فاطمه از وجود رسول خدا جدا نیست. وجود فاطمه، قسمتی از وجود رسول خداست و سیره او جلوه دیگری از سیره رسول خدا. وجود فاطمه، مکمل وجود رسول خداست و اسوه‌گری فاطمه، تکمیل‌کننده اسوه‌گری شایسته‌ترین اسوه‌حسنه. فاطمه، استمرار اسوه‌حسنه است و این است رمز و راز آن که سیره فاطمه ﷺ برای همه امامان از نسل او، حجت و الگو می‌گردد: نحن حجة الله على الخلق وفاطمة حجة الله علينا؛ ما (امامان معصوم) حجت خداوند بر مردمان هستیم و فاطمه حجت (خداوند) بر ما. (تفسیر اطیب البیان، جلد ۱۳، ص ۲۲۵، ذیل آیه ۳ از سوره جن)

اسوه‌گری سیره فاطمه زهراء ﷺ چنان در اوج یگانگی است که وجود مبارک بقیه الله الاعظم وآله الطيبين فاطمه عليها السلام را اسوه نیکوی زندگانی خویش معرفی می‌فرماید: و فی ابنه رسول الله لی أسوة حسنة؛ همانا در دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله برای من الگویی شایسته وجود دارد (بحار الانوار ۵۳: ۱۷۸). این تعبیر حاکی از آن است که اقتدای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه به حضرت زهرا عليها السلام، نه از آن جهت است که فاطمه عليها السلام، مادر آن حضرت است بلکه بدین جهت است که آن دردانه هستی، دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله و استمرار وجود اوست؛ پاره تن رسول خداست و اسوه‌پذیری از وی، همان اسوه‌پذیری از رسول خداست.

مقام معظم رهبری (حفظه الله) در خصوص این بانوی با عظمت می‌فرمایند: من حقیقتاً، نه به عنوان تعارف، نه به عنوان یک حرف

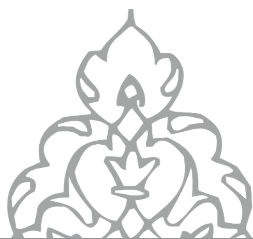
هزاران بار تکرار شده، واقعاً قاصرم؛ زبان قاصر است، دل قاصر است، ذهن قاصر است که بخواهد از این مقام بلند تعریف و تجلیل کند؛ این موجود انسانی، این دختر جوان، این همه فضیلت، این همه درخشندگی، این همه کبریا و عظمت؛ که کسی مثل پیغمبر وقتی فاطمه زهرا علیها السلام بر او وارد می‌شد، «قام إلیها»؛ نه فقط بلند می‌شد، بلکه بلند می‌شد و به سمت او می‌رفت. یک وقت یکی وارد اتاق می‌شود، شما به احترامش بلند می‌شوید؛ یک وقت کسی وارد اتاق می‌شود، شما با اشتیاق به طرفش می‌روید. اینها مگر شوخی است؟ این بحث پدر - فرزندی نیست. پیغمبر خدا اینجور از فاطمه زهرا تجلیل میکند؛ رضای او را رضای خود، رضای خود را رضای خدا؛ سخط او را سخط خود، سخط خود را سخط خدا اعلام می‌کند؛ اینها مقامات فاطمه زهرا است. آن زندگی با امیرالمؤمنین، آن تربیت آن فرزندان. خب، مگر می‌شود درباره این بزرگوار، امثال ما حرف بزیم؟ (۱۳۹۱/۲/۲۳)

باعنایت به ابعاد گسترده شخصیتی حضرت زهرا علیها السلام و ویژگی‌های ایشان به عنوان الگو، بر همه افرادی که می‌توانند به نوعی در مسیر معرفی شخصیت این بانوی مکرمه قدمی بردارند، واجب است که نقشی را ایفا نمایند.

بی‌شک تقارن نوروز با ایام فاطمیه، رسالتی سنگین و کلیدی را بر دوش نخبگان فرهنگی جامعه به خصوص ائمه محترم جماعات که در ارتباط مستقیم با مردم می‌باشند قرار داده است و از آنان انتظار می‌رود ضمن ترویج سنت‌های حسنه دید و بازدید و صلح و رفع کدورت‌ها، از تبیین شاخصه‌های سبک زندگی فاطمی و تاکید بر حفظ حرمت فاطمیه در این ایام تعطیلات غافل نشوند.

تحويل سال در چنین فضایی معنوی که مملو از عطر فاطمی است، می‌طلبد که بیش از پیش خود را به جبل متین الهی گره بزیم و به آستان معصومین علیهم‌السلام تمسک جوئیم. و از درگاه الهی بخواهیم به برکت و واسطه حضرت صدیقه کبری علیها‌السلام، حال ما را حقیقتاً به بهترین حال‌ها مبدل گرداند.

ضمن سپاس از نویسندگان و محققین ارجمند این اثر علمی و تشکر از همکاران گرانقدر در دفتر مطالعات و پژوهش‌ها، امیدواریم این اثر، در نگاه شما گرامیان به ویژه ائمه محترم جماعات مقبول افتاده و پیشنهادات و نظرات ارزشمند خویش را از خادمان خویش در معاونت فرهنگی اجتماعی مرکز دریغ نفرمایید.



شب اول

ولایت مداری
حضرت زهرا علیها السلام

انگیزه‌سازی

حضرت باقر علیه السلام از پدر بزرگوارش نقل می‌فرماید که ایشان از دواج حضرت فاطمه علیها السلام را یادآوری کرده و فرمودند: «روزی حضرت زهرا از رسول خدا صلی الله علیه و آله درخواست کرد تا خادمی برای او فراهم فرماید، آنجا که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله در یکی از جنگ‌ها و غزوه‌های ساحلی، اسیرانی نصیبش شد، آنها را تقسیم فرمود و دو زن را که یکی جوان و دیگری به سن کمال رسیده و از جوانی گذشته بود، برای خود نگه داشت. به دنبال حضرت زهرا علیها السلام فرستاد و دست یکی از آن دو را گرفته در دست فاطمه علیها السلام گذاشت و فرمود: ای فاطمه! این از آن تو باشد، او را کتک نزن. زیرا من دیدم که نماز می‌خواند و جبرائیل مرا از این که نماز گزاران را کتک بزنم، نهی کرده و بدین سفارش و توصیه تأکید فرمود. فاطمه که دید رسول خدا مرتب سفارش وی را می‌کند، روی به حضرت کرده گفت: ای رسول خدا! کارهای خانه یک روز بر عهده من و یک روز بر عهده او باشد. اشک از دیدگان رسول خدا سرازیر شد و فرمود:

اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ^۱

خدا بهتر می‌داند رسالتش را کجا قرار دهد

ذُرِّيَّتَهُ بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ^۲.

فرزندانی که بعضی از آنان از [نسل] بعضی دیگرند و خداوند شنوای داناست.^۳

آری! فاطمه ع وقتی حساسیت پیامبر گرامی اسلام را می‌بیند، این‌گونه اطاعت از امر ولی را پاسخ می‌گوید و ولایتمداری خویش را در برابر توصیه‌های پیامبر اعظم ص بدین صورت به اثبات می‌رساند.

اقناع اندیشه

خداوند متعال در قرآن کریم ولایت و سرپرستی را مختصّ خودش اعلام فرموده و می‌فرماید:

أَمْ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْوَلِيُّ^۴.

آیا به جای او سرپرستان و معبودانی برای خود گرفته‌اند؟ در حالی که سرپرست و معبود واقعی خداست.

البته خداوند برای بندگان صالح و فرمانبردارش که در مسیر او قدم برمی‌دارند و سعی در هدایت بشر دارند نیز این ولایت را قرار داده است. همان‌گونه که می‌فرماید:

إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ

۱. انعام، ۱۲۴.

۲. آل عمران، ۳۴.

۳. عبدالله بن نورالله بحرانی اصفهانی. عوالم العلوم والمعارف والأحوال من الآلات والأخبار والأقوال (مستدرک سدة النساء إلى الإمام الجواد)، ج ۱۱ - قسم ۱، ص: ۳۵۳.

۴. الشوری، آیه ۹.

الرَّكُوعَ وَهُمْ رَاكِعُونَ^۱

ولی شما، تنها خدا و پیامبر اوست و کسانی که ایمان آورده‌اند؛ همان کسانی که نماز برپا می‌دارند و در حال رکوع زکات می‌دهند. پس ولایت بندگان صالح خداوند از جانب خداوند است. از طرف دیگر پیامبر گرامی اسلام بارها و بارها این بندگان صالح خدا را که دارای ولایت هستند معرفی می‌نماید و اطاعت خداوند را متوقف بر اطاعت این انوار درخشان اعلام می‌دارد.

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ أَنَا سَيِّدُ وُلْدِ آدَمَ وَأَنْتَ يَا عَلِيُّ وَالْأُمَّةُ مِنْ بَعْدِكَ سَادَةُ أُمَّتِي مَنْ أَحَبَّنَا فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ وَمَنْ أَبْغَضَنَا فَقَدْ أَبْغَضَ اللَّهَ وَمَنْ وَالَانَا فَقَدْ وَالِيَ اللَّهَ وَمَنْ عَادَانَا فَقَدْ عَادَى اللَّهَ وَمَنْ أَطَاعَنَا فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَمَنْ عَصَانَا فَقَدْ عَصَى اللَّهَ.^۲

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می‌فرمود: من سید اولاد آدمم و ای علی تو و امامان بعد از تو سادات امت من هستید. هر که ما را دوست بدارد خدا را دوست داشته و هر که ما را دشمن بدارد خدا را دشمن داشته و هر که به ولایت ما باشد به ولایت خداست و هر که دشمن ماست دشمن خداست و هر که فرمان ما ببرد خدا را فرمان برده و هر که نافرمانی ما کند خدا را نافرمانی کرده.

این ولایت آن قدر برای خداوند متعال اهمیت دارد که یکی از ارکان اسلام معرفی شده است.

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَيَّ خَمْسٍ: عَلَيَّ الصَّلَاةِ، وَالرَّكَاةِ، وَالْحَجِّ، وَالصَّوْمِ، وَالْوَلَايَةِ؛ وَلَمْ يُنَادَ بِشَيْءٍ كَمَا نُودِي بِالْوَلَايَةِ، فَأَخَذَ النَّاسُ

۱. المائدة، آیه ۵۵.

۲. محمد بن علی بن بابویه، الامالی (للصدوق)، النص، ص: ۴۷۶.

بَأَرْبَعٍ وَتَرَكَوَاهِذِهِ» يَعْنِي الْوَلَايَةَ.^۱

امام باقر علیه السلام فرمود: اسلام روی پنج پایه نهاده شده: نماز و زکات و روزه و حج و ولایت. و به چیزی مانند ولایت فریاد زده نشد، مردم آن چهار را گرفتند و این (یعنی ولایت) را رها کردند.^۲

با این تفصیل برای ما بسیار قابل تأمل است که حضرت زهرا علیها السلام با آن رفعت مقام و مرتبه که پیامبر بارها زبان به مدح آن حضرت گشوده و در شأن آن بانوی بزرگوار تعابیری مانند مُهَجَّتِي^۳ (خون قلب من) و نُورِ عَيْنِي (نور چشم من) و مَكْرَمَةُ فُؤَادِي (میوه دل من) و رُوحِي الَّتِي بَيْنَ جَنْبِي (روح من که درون من است)^۴، فرموده‌اند باز هم می‌بینیم که آن شفیعه محشر در مقابل پدر عظیم الشان و شوهر والا مقامشان که ولی خدا بودند، با تواضع کامل برخورد کرده و فرامین آن بزرگواران را به طور کامل اجرا می‌نمودند.^۵

لذا می‌بینیم که حضرت زهرا علیها السلام در ماجرای غصب فدک و خطبه‌ای که ایراد فرمودند، کاملاً سخنان و رهنمودهای علی علیه السلام را به اجرا گذاشتند و حتی استدلال‌های آن بانوی بزرگوار، برگرفته از سخنان امام علی علیه السلام بود.^۶ همچنین مشاهده می‌کنیم که جریان نهضت گریه آن حضرت، با حمایت و هدایت امیر مؤمنان صورت می‌گیرد و بعد از

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی (ط - دارالحدیث)، ج ۳، ص: ۵۳.

۲. سید جواد مصطفوی، أصول الکافی / ترجمه مصطفوی، ج ۳، ص: ۳۰.

۳. محمد بن حسن شیخ حر عاملی، إثبات الهداة بالنصوص والمعجزات، ج ۲، ص: ۹۸.

۴. محمد بن علی بن بابویه، الأمالی (للصدوق)، النص، ص: ۱۱۳.

۵. لازم به ذکر است که در تعابیری که پیامبر اسلام به کار می‌برند، هیچ گونه غلوئی نیست و پیامبر این کلمات را از روی احساسات نفرموده‌اند؛ زیرا خداوند حکیم می‌فرماید: وَمَا تَنْطَلِقُ عَنِ الْهَوَىٰ، إِنَّ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ نُوحَىٰ؛ و از سر هوس سخن نمی‌گوید. اسن سخن به جز وحی‌ای که وحی می‌شود، نیست.

۶. محمد بن محمد مفید، الإختصاص، النص، ص: ۱۸۳.

اعتراض مردم مدینه، حضرت زهرا علیها السلام با تأیید امام خویش به این نهضت ادامه می‌دهد. ولایت‌مداری حضرت صدیقه طاهره علیها السلام به حدی بود که حتی پس از تصمیم بر نفرین، با درخواست امام علی علیه السلام از این تصمیم منصرف می‌شود^۱ و این گونه به همگان نشان می‌دهد که حتی با آن همه صدمات، برای نفرین نمودن نیز باید از ولی امر تبعیت نمود.

همچنین حضرت فاطمه علیها السلام با همراهی امیرالمؤمنین در رفتن به درب خانه انصار و یاری طلبی از آنها، به وضوح نشان دادند که حتی در انجام فعالیت‌های تبلیغاتی نیز باید در جهت رهنمودهای ولی امر و با هماهنگی او عمل نمود و از تنهایی در این مسیر نباید هراسی به دل راه داد؛ بلکه با انجام وظایف و به کار بردن تمام توان خویش و تلاش در ایجاد ابتکار عمل، باید تا پای جان در این مسیر استقامت نمود. بدین صورت است که ولایت‌مداری حقیقی انجام می‌پذیرد.

درس دیگری که آن بانوی مظلومه به امت اسلامی می‌آموزد این است که همواره باید خود را با مسیر حق و راه ولایت بسنجیم و تأیید صحت تلاش‌ها و انجام درست وظایف را از ولی امر خویش بگیریم. لذا می‌بینیم که حضرت زهرا علیها السلام حتی در هنگام شهادت با همه زحماتی که برای امام زمان خویش کشیده است، باز هم به دنبال مهر تأیید امام خویش بر اعمال و رفتار خود می‌باشد. لذا این گونه با ولی امر خویش سخن می‌گوید:

پسر عمو! آیا در این مدتی که تو با من معاشرت داشتی، دروغ و خیانت

۱. محمد روحانی، زندگانی حضرت زهرا علیها السلام، ترجمه بحار الأنوار، ص: ۶۰۹.

۲. محمد بن محمد مفید، الإختصاص، النص، ص: ۱۸۶.

و مخالفتی از من دیدی؟

حضرت علی علیه السلام فرمود: ابداً!!! به خداوند پناه می‌برم! تو به وجود خداوند داناتری و نیکو کارتر و پرهیز کارتر و گرامی تر و از خدا خائف تر از آنی که من تو را به علت مخالفت کردن، سرزنش نمایم.^۱

از این پاسخ امام علی علیه السلام معلوم می‌شود که حضرت زهرا علیها السلام در همه شؤون زندگی، چه در باب زندگی شخصی، یعنی اطاعت از شوهر و چه در زمینه مسائل اجتماعی، یعنی تبعیت از مقام ولایت، همواره تابع و یاور امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است و بعد از این تلاش بی‌وقفه، آن بانوی مکرّمه مهر تأیید بر ولایتمداری خود را از امام زمانش می‌گیرد.

و امروز که در عصر غیبت امام زمان وَعَلَى اللَّهِ تَوَكَّلُ به سر می‌بریم، ما نیز آزمون پذیرش ولایت را پیش روی خویش می‌بینیم؛ که اگر این آزمون دشواری که از مسلمانان صدر اسلام گرفته شد، از ما گرفته نشود، عدالت در آزمون‌های الهی برقرار نشده است. فلذا یقیناً این آزمون برای ما نیز وجود دارد، اما در شکلی دیگر و با ظاهری جدید.

مسلمانان صدر اسلام، آن زمان از آزمون ولایتمداری سر بلند بیرون نیامدند و سخن پیامبر را نادیده گرفتند و با وجود اینکه حضرت زهرا علیها السلام نمونه‌ای کامل از ولایتمداری را به نمایش گذاشتند، باز هم امام خویش را تنها گذاشتند. اینک پس از هزار و چهارصد و اندی سال ما در برابر این آزمون بزرگ قرار داریم که آیا کلام امامان معصوم علیهم السلام را بپذیریم و یا از پذیرش آن سرپیچی کنیم. آن جا که فرمودند:

فَإِنِّي قَدْ جَعَلْتُهُ عَلَيْكُمْ حَاكِمًا، فَإِذَا حَكَمَ بِحُكْمِنَا فَلَمْ يَقْبَلْهُ مِنْهُ، فَإِنَّمَا اسْتَحَفَّ بِحُكْمِ اللَّهِ وَعَلَيْنَا رَدٌّ، وَالرَّادُّ عَلَيْنَا الرَّادُّ عَلَى اللَّهِ وَهُوَ عَلِيٌّ حَدِّ

۱. محمد روحانی، زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (ترجمه جلد ۴۳ بحار الأنوار)، ص: ۶۳۱.

الشِّرْكُ بِاللَّهِ^۱

آری! آزمون بزرگ ولایتمداری ما تبعیت از فقیه جامع الشرائطی است که مدبّرانه زمام امور را به دست گرفته است و با پیروی از بانوی گرامی اسلام علم مبارزه با کفر و نفاق را در اهتزاز نگه داشته است. لذا وظیفه هر شیعه ولایتمدار، پیروی از ولایت فقیه است تا با تأسی به حضرت زهرا علیها السلام با سکوت ولیّ زمان خویش، سکوت و با فریاد او فریاد سر دهد.

پرورش احسان

هر گاه رسول خدا صلی الله علیه و آله از سفری بازمی گشت، اوّلین کسی را که دیدار می نمود، فاطمه زهرا علیها السلام بود، پس در آن هنگام به مدّتی طولانی در نزد او توقّف می کرد.

در یکی از این سفرها که پیامبر از مدینه خارج شده بود، حضرت فاطمه علیها السلام دو خلخال از نقره، یک گردن بند، دو گوشواره و پرده‌ای خریداری نمود تا در بازگشت پدر و شوهرش از سفر، تنوعی برای ایشان باشد.

هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله از مسافرت بازگشت، مثل همیشه اوّل به خانه حضرت فاطمه علیها السلام رفت، اصحاب پیامبر همچنان بر در خانه فاطمه علیها السلام ایستاده بودند و چون از طول مدّت حضور پیامبر در نزد دخترش اطلاعی نداشتند نمی دانستند که آیا باید توقّف کنند یا برگردند، ولی هنوز، مدّت زیادی سپری نشده بود که رسول خدا صلی الله علیه و آله از خانه حضرت فاطمه علیها السلام خارج شد در حالی که آثار غضب در چهره ایشان کاملاً

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی (ط - دارالحدیث)، ج ۱، ص: ۱۶۸.

مشهود و قابل تشخیص بود، ایشان در همان حال به سوی منبر (مسجد) رفته و در کنار آن بر زمین نشست.

هنگامی که پیامبر با غضب از خانه دخترش خارج شد، حضرت فاطمه علیها السلام دریافت که خشم رسول خدا صلی الله علیه و آله به سبب مشاهده خلخال‌ها، گوشواره، گردن‌بند و آن پرده بوده است، لذا به سرعت آنها را جمع‌آوری نموده و به حضور پدرش فرستاد و به کسی که آنها را می‌برد فرمود: سلام مرا به پدرم برسان و بگو که اینها را در راه خدا به مصرف برساند.

وقتی که آن شخص نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و پیغام حضرت فاطمه علیها السلام را به ایشان رسانیده و بسته محتوی آن و سائل را به حضرت داد، پیامبر سه مرتبه فرمود: پدرش به فدایش باد، و فرمود: دنیا در نزد محمد و آل محمد علیهم السلام ارزشی ندارد، چرا که اگر دنیا به اندازه بال یک پشه ارزش داشت، همانا ذره‌ای از آن را نصیب کافر نمی‌نمود و پس از این سخن برخاست و به نزد دخترش فاطمه علیها السلام رفت.^۱

رفتار سازی

عیسی بن عبد الله قمی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که آن حضرت فرمود:

هنگامی که خبر خزاعه و قریش در شام به ابوسفیان رسید، وی بلافاصله خدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله رسید و عرض کرد: یا محمد! خون خویشاوندان خود را حفظ کن و مدت معاهده را زیاد نما. حضرت فرمود: یا اباسفیان، شما با ما مکر می‌کنید. عرض کرد: ما با شما مکاری نداریم و به قرارداد خود عمل می‌کنیم.

۱. محمد روحانی، زندگانی حضرت زهرا علیها السلام، ترجمه بحار الأنوار، ص: ۱۹۵.

پس از این ابوسفیان نزد ابوبکر رفت و گفت: به قریش پناه دهید، ابوبکر گفت: وای بر تو! کسی می تواند در برابر حضرت رسول به مشرکین قریش پناه دهد و از آنان طرفداری کند؟! ابوسفیان بعد از این نزد عمر رفت و این گفته ها را برای او هم گفت، پس از این به منزل خواهرش امّ حبیبه رفت و هنگامی که اراده کرد تا روی فرش بنشیند، امّ حبیبه فرش ها را جمع کرد؛ تا ابوسفیان روی آن جلوس نکند.

ابوسفیان گفت: ای دخترک من، میل نداری من روی این فرش بنشینم؟

گفت: آری، این فرش پیغمبر ﷺ است و چون شما مشرک و پلید هستی نمی توانی روی بساط حضرت رسول ﷺ جلوس کنی. ابوسفیان از منزل دخترش هم بیرون شد و به منزل فاطمه ﷺ رفت و گفت: ای دختر پیغمبر، قریش را پناه می دهی و به مدت معاهده می افزائی، تا از گرامی ترین زنان باشی؟

حضرت فاطمه ﷺ فرمود: کسی را که پیغمبر ﷺ پناه دهد، وی در پناه من خواهد بود، ابوسفیان گفت: پس به فرزندان امر کن تا آنان مردم را در پناه خود بگیرند، فرمود: فرزندان من قریش را نمی شناسند تا آنها را در پناه خود بگیرند. ابوسفیان از نزد حضرت فاطمه ﷺ نومید برگشت.^۱

آری! کسی را که ولیّ خدا پناه ندهد، انسان ولایتمدار نیز پناه نمی دهد و از مولای خویش سبقت نمی گیرد؛ تا دشمنان خدا بفهمند که هیچ پناهگاهی جز خداوند و اولیاء او و دین اسلام ندارند.

۱. فضل بن حسن طبرسی - عزیزالله عطاردی قوچانی، ترجمه اعلام الوری، ص: ۱۵۵.

روضة

شاید بتوان گفت که اوج ولایتمداری یک فرد در زمانی معلوم می شود که ولی خدا تنها مانده باشد و نیاز به یاری و کمک داشته باشد. حضرت زهرا علیها السلام در این چنین زمانی به یاری امام زمان خود، یعنی امیرالمؤمنین علی علیه السلام شتافت و تمام تلاش خود را برای یاری آن حضرت به کار بست و در این مسیر لطمه های زیادی بر ایشان وارد شد.

اما اوج این ولایتمداری در زمانی اتفاق افتاد که فاطمه علیها السلام می خواهد از علی علیه السلام در مسجد دفاع کند. در روایت نقل شده است زمانی که به درب خانه حضرت زهرا علیها السلام آمدند، عمر لگدی بر درب خانه زد و آن را شکست.

فَدَخَلُوا عَلَيَّ عَلِيٍّ وَأَخْرَجُونِي مَلَبَّيَا

سپس به درون خانه ریختند و گریبان علی علیه السلام را گرفتند و به سوی مسجد کشیدند.

حضرت زهرا علیها السلام از خانه خارج شد و فرمود: ای عمر و ای ابابکر! آیا می خواهید شوهر مرا بکشید؟ به خدا اگر او را رها نکنید، موهام را پریشان می کنم و گریبان چاک می زنم و حتماً بر سر قبر پدرم می روم و به درگاه خدا ناله می کنم. پس حضرت زهرا علیها السلام دست امام حسن و امام حسین علیهما السلام را گرفت و به سوی قبر پیامبر صلی الله علیه و آله به راه افتاد.

پس امام علی علیه السلام به سلمان فرمود: ای سلمان! دختر پیامبر را دریاب. من می بینم که دو طرف مدینه زیر و رو می شود. به خدا اگر فاطمه علیها السلام نفرین کند، زمین، شهر مدینه را با اهلش می بلعد.

لذا سلمان خود را به فاطمه علیها السلام رساند و گفت: ای دختر پیغمبر! خدا پدرت را از رحمتش مبعوث کرد. از این امر منصرف شو.

فاطمه علیها السلام فرمود: دیگر صبر ندارم. بگذار تا سر قبر پدرم بروم.
در این هنگام سلمان گفت: علی علیه السلام مرا به سوی تو فرستاد و تو را امر
کرد که باز گردی.

فَقَالَتْ أَسْمَعُ لَهُ وَأَطِيعُ فَرَجَعْتُ.

در اینجا فاطمه علیها السلام فرمود: به حرف او گوش می‌دهم و اطاعت می‌کنم؛
سپس باز گشت.^۱

شهر آبستن غم‌هاست خدا رحم کند

شهر این بار چه غوغاست خدا رحم کند

بوی دوداست که پیچیده، کجا می‌سوزد؟

نکند خانه‌ی مولاست خدا رحم کند

همه‌ی شهر به این سمت سرازیر شدند

در میان کوچه دعواست خدا رحم کند

هیزم آورده که آتش بزنند این در را

پشت در حضرت زهراست خدا رحم کند

همه جمعند و موافق که علی را ببرند

و علی یکه و تنهاست خدا رحم کند

بین این قوم که از بغض لبالب هستند

قنفذ و مغیره پیداست خدا رحم کند

مادر افتاد و پسر رفت زدست، درد این است

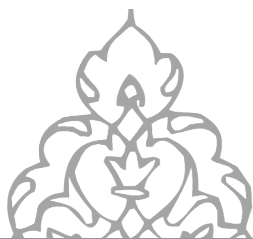
چشم زینب به تماشااست خدا رحم کند

مو پریشان کند و دست به نفرین ببرد

در زمین زلزله برپاست خدا رحم کند

۱. محمد بن محمد مفید، الإختصاص، النص، ص: ۱۸۶.

ماجرا کاش همان روز به آخر می شد
تازه آغاز بلاهاست خدا رحم کند
غزلم سوخت دلم سوخت دل آقا سوخت
روضه ی ام ابیہاست خدا رحم کند



شب دوم

استقامت تاریخی
حضرت زهرا علیها السلام

انگیزه‌سازی

قبل از هجرت نبی مکرم اسلام ﷺ و زمانی که ایشان در مکه و میان مشرکین حضور داشتند، روزی فاطمه علیها السلام از کنار ابوجهل می‌گذشت که ناگهان ابوجهل نگاه تندی از روی سنگدلی به فاطمه علیها السلام کرد و چنان سیلی محکمی به صورت ایشان زد که تمام بغض و کینه‌ای که از پیامبر ﷺ و فاطمه علیها السلام در دل داشت با آن ضربه بر حضرت وارد کرد. حضرت زهرا علیها السلام از این سیلی کینه‌توزانه، به شدت دردمند شد. گویا ابوجهل به نوجوانانی که سلاح و قدرت دفاع از خودشان نداشتند، با دست کتک می‌زد و به همین خاطر جایگاهش در میان قریش بسیار تنزل کرده بود.

مدتی بعد، حضرت زهرا علیها السلام ابوسفیان را که رئیس و حاکم قریش بود دیدند و از آن چه که آن انسان پستِ ترسو یعنی ابوجهل در حق ایشان انجام داده بود شکایت کرد. در این هنگام غیرت ابوسفیان به جوش آمده و فاطمه علیها السلام را به جایی که ابوجهل نشسته بود بازگرداند و او را به شدت توبیخ کرد. در این هنگام ابوجهل سرش را پایین انداخت و

ش‌رمسار گشت.^۱

این جریان که به عنوان نمونه ذکر شد، نشان دهنده آن است که حضرت زهرا علیها السلام در مسیر حق، آن قدر استوار بوده و استقامت داشتند که حتی شخصی متکبر و ظالم مانند ابوجهل را به زانو درآورده و او را شرمنده ساخته و را به عنوان یکی از سرسخت ترین دشمنان پیامبر محکوم نمودند و این سیاست حضرت به قدری مؤثر واقع گشت که ابوجهل در میان مشرکین نیز مذمت شد.

اف‌ناع اندیشه

مقاومت در مسیر حق، یکی از ویژگی‌های انسان مؤمن و متقی است، همان گونه که در قرآن کریم به آن اشاره شده است.

«إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ»^۲

در حقیقت، کسانی که گفتند: «پروردگار ما خداست» سپس ایستادگی کردند، فرشتگان بر آنان فرود می‌آیند (و می‌گویند) «هان، بیم مدارید و غمین مباشید و به بهشتی که وعده یافته بودید، شاد باشید.»

پر واضح است که ماندن در مسیر حق و صراط مستقیم که به معنای تبعیت کامل از امام معصوم است، مشکل‌تر از یافتن آن می‌باشد؛ تا آنجا که در ذیل آیه شریفه و آن لَوِ اسْتَقَامُوا عَلَي الطَّرِيقَةِ لَأَسْقِينَهُمْ مَاءً غَدَقًا^۳ وارد شده است

يَعْنِي لَوِ اسْتَقَامُوا عَلَي وَلايَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْأَوْصِيَاءِ

۱. اسماعیل انصاری زنجانی، الموسوعة الكبرى عن فاطمة الزهراء، ج ۲۰، ص ۲۰۵.

۲. فصلت، آیه ۳۰.

۳. الجن، آیه ۱۶.

مِنْ وُلْدِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَقَبِلُوا طَاعَتَهُمْ فِي أَمْرِهِمْ وَنَهْيِهِمْ لَأَسْقَيْنَاهُمْ مَاءً غَدَقًا يَقُولُ لَأَشْرَبْنَا قُلُوبَهُمُ الْإِيمَانَ وَالطَّرِيقَةَ هِيَ الْإِيمَانُ بَوْلَايَةِ عَلِيٍّ وَالْأَوْصِيَاءُ^۱ همان گونه که در این روایت شریفه مطرح گردیده است اعطاء ایمان از جانب خداوند و منور شدن قلب انسان به نور ایمان متوقف بر استقامت بر صراط حق - که ولایت امیر مؤمنان علی علیه السلام است - می باشد. لذا تنها راه رسیدن به درجات کمال و پیمودن مسیر تعالی انسان، استقامت و صبوری نمودن در مسیر حق و تبعیت از امام زمان است.

حضرت زهرا علیها السلام با استقامتی بی نظیر در راه دفاع از مسیر پر نور ولایت، الگویی کامل را در تبعیت از امام زمان و استقامت در مسیر حق به همگان ارائه نمودند و در عمل به همگان آموختند که در مسیر عمل به دین خدا و آیات قرآن، در صورت لزوم حتی زندگی انسان نیز باید فدا گردد.

حضرت زهرا علیها السلام همچنین با استقامت خویش در برابر انحرافات، به تمام مسلمین در پهنه تاریخ یاد دادند که نپذیرفتن ظلم و انحراف و مقابله با جریان های انحرافی، وظیفه واجب یک مسلمان است و این وظیفه را خداوند بر عهده انسان گذاشته است. قرآن کریم با صدای رسا این تکلیف را اعلام می دارد و می فرماید:

«وَلَا تَرْكُنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُم مِّنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءٍ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ»^۲

و به کسانی که ستم کرده اند، متمایل مشوید که آتش (دوزخ) به شما می رسد و در برابر خدا، برای شما دوستانی نخواهد بود و سرانجام یاری

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی (ط - الإسلامیة)، ج ۱، ص: ۲۲۰.

۲. هود، آیه ۱۱۳.

نخواهید شد.

حضرت زهرا علیها السلام در مدت کوتاه عمر خویش نشان دادند که باید در عمل به این مسئولیت الهی پاسخ گفت و به همین دلیل اقدامات ابتکاری متعددی برای رسوا نمودن جریان نفاق انجام دادند تا علاوه بر انجام تکلیف الهی خویش به مؤمنین نیز چگونگی به دست گرفتن ابتکار عمل و انواع اقداماتی را که در این جهت می توان انجام داد، نشان بدهند.

یکی از این اقدامات که حضرت زهرا علیها السلام برای بیداری جامعه اسلامی انجام داده و بر آن استقامت بسیاری داشتند، گریه بر مصیبت پیامبر صلی الله علیه و آله و مظلومیت حضرت علی علیه السلام بود. این اقدام در زمینه نشان دادن مظلومیت حق و یادآوری بیعتی بود که خداوند و پیامبر از مردم گرفته بودند. روی دیگر این فریاد مظلومیت، نشان دادن ظلم بزرگی بود که منافقین بر دین حق و ولی خدا روا داشته بودند. این حرکت باعث افشا ماهیت منافقین داشته و ظالم بودن آنها را نشان می داد و در نتیجه این حرکت، جریانی برای مقابله با ظلم ظالمان بر پایه فطرت ظلم ناپذیر انسان فراهم آمد.

حضرت زهرا علیها السلام تا حدی در این کار مؤثر، استقامت ورزیدند که سران خود فروخته و سست قبایل و منافقین احساس خطر نموده و تلاش خود را در مقابله با این حرکت به کار بستند و در ابتدا با بهانه های واهی سعی در خاموش کردن حضرت فاطمه علیها السلام نمودند و زمانی که با مقاومت آن حضرت مواجه شدند حتی درختی را که آن حضرت در زیر آن گریه می کرد بردیدند، ولی باز هم آن بانوی مظلومه به گریه خویش ادامه داد، تا آنکه حضرت علی علیه السلام اتاکی را برای آن حضرت در خارج

بقیع بنا کرد.^۱

گرچه آنها تلاش کردند تا اثر این اقدام را کم کنند و باعث شدند که حضرت زهرا علیها السلام به ناچار برای گریه به خارج شهر برود ولی تأثیر این اقدام نه تنها کم نشد بلکه در پهنه تاریخ نیز تأثیر این حرکت حضرت باقی ماند و تاریخ این سوال را مطرح نمود که چرا نام حضرت زهرا علیها السلام در کنار آدم ابوالبشر که صد سال گریه کرد^۲ و یعقوب نبی که قرآن در مورد گریه او می فرماید: «وَأَبْيَضَّتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزْنِ»^۳ و نیز در کنار امام سجاد علیه السلام که چهل سال بر مصیبت پدر بزرگوارش گریه کرد،^۴ جزء بکائین ثبت شده است؟

حضرت زهرا علیها السلام اقدامات متعدد دیگری نیز انجام دادند از جمله اینکه با خطبه ها و سخنان خویش درباره غصب خلافت^۵ به صورت مستقیم و با محکوم کردن دشمن به خاطر غصب فدک^۶ به صورت غیر مستقیم سعی در رسوا نمودن منافقین داشتند. آن حضرت در خطبه ای که به خطبه فدکیه معروف شده است، با غاصب نشان دادن خلیفه و اثبات عدم کفایت او به همگان اثبات می کنند که او لیاقت خلافت بر مسلمین را ندارد. آن حضرت می فرماید:

يَا أَبَا بَكْرٍ ادْعَيْتَ أَنَّكَ خَلِيفَةُ أَبِي وَجَلَسْتَ مَجْلِسَهُ وَ أَنْتَ بَعَثْتَ إِلَيَّ وَكَيْلِي فَأَخْرَجْتَهُ مِنْ فِدَاكَ وَقَدْ تَعْلَمُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ صَدَّقَ بِهَا عَلَيَّ

۱. اسماعیل انصاری زنجانی، الموسوعة الكبرى عن فاطمة الزهراء، ج ۱، ص: ۱۸۹.

۲. محمد بن علی بن بابویه، عون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۴۳.

۳. سوره یوسف، آیه ۸۴.

۴. جعفر بن محمد قولویه، کامل الزبارات، النص، ص: ۱۰۷.

۵. خطبه فدکیه، الاختصاص، المقصد، ص: ۱۸۳.

۶. همان.

ای ابابکر ادّعا می‌کنی که جانشین پدر من هستی و در جای او نشسته‌ای در حالی که کسی را به سوی وکیل من فرستادی و وکیل مرا از فدک اخراج کردی، در حالی که تو می‌دانی که رسول خدا فدک را به من بخشیده است.

این گوشه‌ای از اقدامات آن مدافع حریم ولایت است که در تاریخ ثبت گردیده است.

و این‌گونه نتیجه مقاومت حضرت زهرا علیها السلام و موفقیت آن حضرت در تاریخ ثبت گردید و ما به عنوان شیعیان آن بانوی یگانه اسلام، درس استقامت تا پای جان را در برابر باطل و انحراف آموختیم و انقلابی از جنس انقلاب فاطمه زهرا علیها السلام را برپا نمودیم. آری! ما از فاطمه علیها السلام مقاومت در برابر قدرت‌های ظالم عالم و منافقین و منحرفین را به عنوان وظیفه دینی یاد گرفتیم و ادامه این مسیر پر نور را با الهام گرفتن از زندگانی دختر پیامبرمان با تمام توان و با به کار گرفتن تمام ظرفیت‌ها ادامه خواهیم داد.

پرورش احساس

حضرت زهرا علیها السلام مبارزات خویش را حتی در بستر بیماری نیز ادامه می‌دادند. از همین روزمانی که عایشه دختر طلحه به عیادت آن حضرت رفت، ایشان را گریان دید؛ لذا گفت: «بِأَيِّ أَنْتِ وَأُمِّي، مَا الَّذِي يُبْكِيكِ»

پدر و مادرم به فدای تو، چه چیزی تو را گریان نموده است؟ حضرت زهرا علیها السلام فرمودند: ای عایشه! آیا از رویداد تلخ و فاجعه‌باری می‌پرسی که گزارش تکان‌دهنده‌ی آن همه جا پراکنده شده و بال‌های پرندگان

بر اثر آن فروریخته و رهروان به خاطر آن از راه بازمانده‌اند؟ این رویداد غم‌باری بود که خدا آن را به آسمان بالا برد و من در زمین به اندوه و آزمایش آن گرفتار شدم.

واقعیت این است که پست‌ترین شخص قبیله تیم و خبیث‌ترین شخص قبیله عدی^۱، پاداش پیشتازی و پیشگامی امیر مؤمنان در میدان‌های دانش و ایمان و عمل و جهاد قهرمانانه به وی دادند. آنها تا جایی که توانستند کینه و دشمنی او را در دل نهان داشتند و از آشکار ساختن آن جلوگیری نمودند، اما هنگامی که نورافشانی دین کم‌سو شد و پیامبر امین، جهان را بدرود گفت، آن دو به سرعت کینه‌های کور را آشکار ساخته و به شدت در کوره بداندیشی و تجاوز دمیدند و فدک را مصادره کردند.

حقیقت این است که فدک، بخشش پروردگار بلند مرتبه به شایسته‌ترین مناجات‌کننده با او، یعنی پیامبر بود و آن حضرت آن را به من بخشید تا تأمین‌کننده هزینه زندگی فرزندان او و نسل من باشد و این بخشش با علم خدا و به گواهی امین وحی انجام شد.

پس اگر آن دو نفر فدک را از من گرفتند و مرا از درآمد ناچیز آن بازداشتند، من آن را در روز رستاخیز مایه تقرب به خدا قرار داده و به حساب او خواهم آورد و خوردگان و برندگان تجاوزکار فدک، آن را به زبانه‌های شعله‌ور و سوزان آتش سهمگین دوزخ خواهند یافت.^۲

و این گونه حضرت زهرا علیها السلام منافقین و غاصبین را رسوای نمود تا همه عالم بدانند که این مسیر به غضب الهی و دوزخ منتهی می‌گردد.

۱. منظور اولی و دومی است.

۲. محمد بن الحسن طوسی، الأمالی، النص، ص: ۲۰۴.

رفتار سازی

ایستادن و استقامت در برابر ظلم، وظیفه هر انسان مؤمنی است؛ همان گونه که خود پیامبر گرامی اسلام ﷺ فرموده اند:

«يَا عَلِيُّ إِنَّ اللَّهَ [تَبَارَكَ وَتَعَالَى] وَهَبَ لَكَ حُبَّ الْمَسَاكِينِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ فَرَضِيَتْ بِهِمْ إِخْوَانًا وَرِضْوَانًا بِكَ إِمَامًا - إِلَى أَنْ قَالَ - وَشَيْعَتِكَ عَلِيٌّ مِنْهَا جِ الْحَقِّ وَالِاسْتِقَامَةَ لَا يَسْتَوْحِشُونَ إِلَيَّ مَنْ خَالَفَهُمْ»^۱

حضرت زهرا علیها السلام که بهترین زنان عالم است، نیز این استقامت را در رفتار و گفتار به خوبی به ما تعلیم داده اند. آن بانوی با عظمت برای حفظ اسلام ناب، پس از مبارزات فراوان و خطبه های متعدد و مقتضی کردن غاصبین خلافت و منافقین، دست به اقدامی شگرف زد تا این مبارزه و مقاومت در مقابل ظلم در تاریخ ثبت شود و هیچ کس نتواند فریاد آن بضعه رسول را خاموش کرده و یا نادیده بگیرد.

این اقدام حضرت زهرا علیها السلام وصیتی بود که ایشان به امیرالمؤمنین علیه السلام نمودند و فرمودند:

مبادا احدی از این گروهی که در حق من ظلم روا داشتند و حق مرا غصب کردند، برای تشییع جنازه ام حاضر شوند!! زیرا ایشان دشمن من و دشمن رسول خدا می باشند. مبادا بگذاری احدی از آنان و پیروانشان به جنازه ام نماز بخوانند!! مرا شبانه در آن هنگام که چشم ها همه به خواب رفته باشند، دفن کن.^۲

این کار حضرت در عمل باعث ایجاد یک سوال بزرگ برای مسلمانان در تاریخ شده است که چرا تشییع و دفن حضرت زهرا علیها السلام شبانه و

۱. فرات بن ابراهیم کوفی، تفسیر فرات الکوفی، ص: ۲۶۵.

۲. محمد روحانی علی آبادی، زندگانی حضرت زهرا علیها السلام، ترجمه بحار الأنوار، ص: ۶۲۸.

مخفیانه اتفاق افتاد. این حرکت در ادامه‌ی مقاومت در برابر جبهه انحراف و باطل بوده است که تا همین امروز نیز ادامه دارد و به هر وجدان آگاه و فطرت سالم انحراف منحرفین را نشان می‌دهد.

اقدام بعدی آن حضرت، اختفاء قبر ایشان است که این سوال را در ذهن ایجاد می‌نماید که چرا مزار پاره تن رسول خاتم آشکار نیست؟ مگر چه اتفاقی افتاده است که قبر سرور زنان بهشت مخفی است؟

این دو اقدام حضرت زهرا علیها السلام حتی در همان زمان هم اثر خود را گذاشت، چنانچه در تاریخ آمده:

«فَصَحَّ النَّاسُ وَلَا مَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا، وَقَالُوا: لَمْ يُخَلِّفْ نَبِيُّكُمْ فِيكُمْ إِلَّا بِنْتًا وَاحِدَةً، تَمُوتُ وَتُدْفَنُ وَلَمْ تَخْضُرُوا وَفَاتَهَا وَلَا دَفَنَهَا وَلَا الصَّلَاةَ عَلَيْهَا! بَلْ وَلَمْ تَعْرِفُوا قَبْرَهَا!»^۱

این دو اقدام حضرت زهرا علیها السلام آن قدر بر مردم زمان ایشان گران آمد که به دستور دومی شروع به نبش قبور ساخته شده کردند تا قبر صدیقه طاهره را پیدا نموده و بر آن نماز بخوانند و آن را دفن کنند، ولی امیرالمؤمنین علیه السلام مانع این کار شدند.

روضه

مقاومت در مسیر حق و استقامت در برابر انحراف و ظلم، طبعاً هزینه نیز خواهد داشت که انسان مؤمن این هزینه را خواهد پرداخت.

حضرت زهرا علیها السلام در دفاع از ولایت، استقامتی تاریخی داشت؛ تا آنجا که وقتی به خانه آن جگر گوشه پیامبر حمله کردند، دفاعی جانانه از

۱. محمد بن جریر بن رستم طبری آملی، دلائل الإمامة (ط - الحدیثة)، ص: ۱۳۶.

مولای خویش نمود. زیرا در تاریخ اینگونه آمده است:

دومی درب خانه را آتش زد. وقتی در سوخت، او در را باز کرد! در همین لحظه بود که حضرت زهرا در مقابل وی قرار گرفت و فریاد زد:

پدر جان! ای رسول خدا!

«فَرَفَعَ السَّيْفَ وَهُوَ فِي غَمْدِهِ فَوَجَّأَ بِهِ جَنْبَهَا فَصَرَخَتْ فَرَفَعَ السَّوْطَ فَضْرَبَ بِهِ ذِرَاعَهَا فَصَاحَتْ يَا أَبَتَاهُ.»^۱

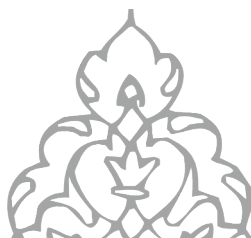
او شمشیر خود را همان طور که در غلاف بود، بلند کرده و به پهلوئی فاطمه علیها السلام زد، وقتی ناله آن بانوی مظلومه بلند شد، با تازیانه به نحوی به ساق دست آن حضرت نواخت که زهرای مرضیه صیحه‌ای زد و پدر خود رسول خدا را به فریادری طلبید.

هنگامی که حضرت امیر علیه السلام با این منظره مواجه شد، از جای برجست و کمر بند آن ملعون را گرفته و او را از جای کند و بر زمین افکند. آن گاه بینی و گردن وی را کوبید و تصمیم گرفت که او را به قتل رساند! ولی دستور پیامبر صلی الله علیه و آله را به یاد آورد که به آن حضرت فرموده بود: باید صبور و شکیبا باشی، لذا فرمود: ای پسر صهّاک! سوگند به حقّ آن خدایی که حضرت محمد صلی الله علیه و آله را به مقام نبوّت گرامی داشت، اگر چنین نبود که من به خاطر امر خداوند باید صبر کنم، تو می‌دیدى که نمی‌توانستی داخل خانه من شوی! و عمر پیوسته استغاثه می‌کرد! در این هنگام مردم به میان خانه علی ریختند و بر آن حضرت غلبه یافته و ریسمان به گردن مقدّسش انداختند! فاطمه زهرا علیها السلام نزدیک در آمد تا حضرت امیر علیه السلام را از دست آنان رها کند، ولی قنغذ آن بانوی مظلومه را هدف تازیانه قرار داد! و اثر آن تازیانه نظیر یک بازو بند به بازوی آن حضرت

۱. سلیم بن قیس الهملائی، کتاب سلم بن قس الهملائی، ج ۲، ص: ۸۶۴.

بود، تا زمانی که رحلت فرمود.
 آنگاه آن بانورا به نحوی به در کوبید، که دنده و پهلویش شکست و
 جنین خود را که در رحم داشت، سقط کرد.^۱
 از لاله زار توحید آتش زبانه می زد
 گل گشته بود خاموش بلبل ترانه می زد
 در گلشن ولایت یک نوشکفته گل بود
 گر می گذاشت گلچین آن گل جوانه می زد
 من ایستاده بودم دیدم که مادرم را
 قاتل گهی به کوچه گاهی به خانه می زد
 گاهی به پشت و پهلو، گاهی به دست و بازو
 گاهی به چشم و صورت، گاهی به شانه می زد
 گردیده بود قنفذ همدست با مغیره
 او با غلاف شمشیر این تازیانه می زد
 وقتی که باغ می سوخت صیاد بی مروّت
 مرغ شکسته پر را در آشیانه می زد
 با چشم خویش دیدم جان دادن پدر را
 از ناله‌ای که مادر در آستانه می زد

۱. محمد روحانی علی آبادی، زندگانی حضرت زهرا علیها السلام، ترجمه بحار الأنوار ص: ۶۴۴.



شب سوم

نقش تاریخی
حضرت زهرا علیها السلام در
ثبات جامعه اسلامی

انگیزه‌سازی

پس از جنگ اُحُد و بازگشت مجاهدین از جنگ، زنانی از مهاجرین و انصار به سمت لشکر خارج شدند و آب و غذا بر پشت‌هایشان حمل می‌کردند و در بین آنها فاطمه علیها السلام دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز حضور داشت. پس زمانی که پدرش را دید و بدن او را خونین یافت، او را در آغوش گرفته و خون‌ها را از صورت پیامبر پاک می‌کرد، در حالی که رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرمود: خشم خدا بر قومی که صورت رسول خدا صلی الله علیه و آله را خون‌آلود کردند شدید شد. غضب خداوند بر مردی که رسول خدا صلی الله علیه و آله او را کشت، شدید شد.

و علی بن ابی طالب علیه السلام قصد رفتن به جایگاه آب را نمود و به فاطمه علیها السلام فرمود: این شمشیر را نگه‌دار. پس مقداری آب در گودی سپری ریخته و آورد. هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله خواست از آن آب بخورد، متوجه شدند که آن آب بو بد (بوی خون) می‌دهد. پس فرمود: این آب بدمزه است و با آن مضمضه کردند و فاطمه با استفاده از آن خون‌ها را از بدن پدرش شست.^۱

۱. ابوبکر بیهقی، دلائل النبوة، ج ۳، ص: ۲۸۳.

همان گونه که داستان مذکور را به عنوان نمونه ذکر کردیم، حضرت زهرا علیها السلام همیشه با مراقبت و حمایت از رسول گرامی صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علی علیه السلام موجبات تقویت جبهه اسلام و ثبات جامعه اسلامی را فراهم می آوردند.

توجه به این نکته لازم است که وجود حضرت صدیقه طاهره علیها السلام در جمع پرستاران و مداوا کنندگان مجروحین جبهه‌ی جهاد، طبعاً باعث ایجاد انگیزه و تلاش بیشتر در بین زن‌ها برای کمک به مجروحین و تأمین تدارکات جنگ بوده است و این عقبه مستحکم باعث دل‌گرمی و آرامش در بین مجاهدین می‌گردیده است.

اقناع اندیشه

بدیهی است که یکی از مقدماتی که برای پیشرفت و تقویت دین‌مداری در جامعه اسلامی لازم است، ثبات جامعه اسلامی می‌باشد. به همین دلیل بر مسلمانان لازم است تا هر فعالیت‌ی که باعث ثبات جامعه اسلامی می‌شود با کمال جدیت دنبال کنند.

به همین دلیل قرآن کریم در سوره مبارکه عصر، خروج از زیان و خسران را منوط به همیاری مؤمنین و توصیه به حق و صبر در بین خودشان می‌نماید و در غیر این صورت انسان را به صورت قطعی متضرر اعلام می‌کند.

و نیز به همین دلیل پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرمایند:

«مَنْ أَصْبَحَ لَا يَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ»^۱

هر که صبح کند در حالی که اهمتی به کار مسلمانان ندارد، پس

۱. محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی، الکافی (ط - الإسلامیة)، ج ۲، ص: ۱۶۳.

مسلمان نیست.

فلذا تمامی تلاش‌های حضرت زهرا علیها السلام در راستای کمک به مسلمین می‌توان در مسیر ایجاد ثبات در جامعه دانست.

حضرت زهرا علیها السلام حضوری مؤثر در اتفاقات مهم زمان خود داشتند. از جمله مواردی که آن حضرت باعث آرامش مؤمنان و مسلمانان گردید، حضور ایشان در ماجرای مباحثه با مسیحیان نجران بود که در نتیجه باعث عقب‌نشینی مسیحیان و استحکام و اطمینان بیشتر جامعه به حقانیت مسیر خود گردید. زیرا رؤسای مسیحیان نجران با هم مشورت کردند و گفتند که اگر محمد با اصحاب خود آمد، پیامبر نیست، ولی اگر با خانواده‌اش آمد، پیامبر است زیرا او فقط در صورتی خانواده‌اش را می‌آورد که صادق باشد.^۱ حضرت زهرا علیها السلام در این واقعه باعث سرافرازی و اطمینان خاطر مسلمانان به مسیر حق خویش گردیدند تا بار دیگر حجت بر مسلمانان و حتی مسیحیان تمام گردد و قوت قلبی برای مؤمنین باشد.

همچنین در همین راستا، حضرت زهرا علیها السلام برای گرفتن حق حضرت علی علیه السلام و مبارزه با غصب خلافت قیام نمودند، زیرا امیرالمؤمنین علی علیه السلام در خطبه‌ای که معروف به خطبه شقشقیه است، شرایط خلافت خلفاء سه‌گانه را تشریح می‌نمایند. از این توضیحات مشخص می‌شود که جامعه اسلامی در زمان آن‌ها هیچ ثباتی نداشته است. آن حضرت با دلی پر از اندوه می‌فرمایند:

«شگفتا! اولی با اینکه در زمان حیاتش می‌خواست حکومت را واگذارد، ولی برای بعد از خود عقد خلافت را جهت فرد دیگری بست. چه سخت

۱. علی بن ابراهیم قمی، تفسیر القمی، ج ۱، ص: ۱۰۴.

هر کدام به یکی از دو پستان حکومت چسبیدند! حکومت را به فضایی خشن کشانیده و به کسی رسید که کلامش درشت و همراهی با او دشوار و لغزش‌هایش فراوان و معذرت خواهیش زیاد بود.^۱

و در قسمت دیگری از این خطبه می‌فرمایند:

«تا سومی به حکومت رسید که برنامه‌ای جز انباشتن شکم و تخلیه آن نداشت و دودمان پدری او (بنی امیه) به همراهی او برخاستند و چون شتری که گیاه تازه‌ی بهار را با ولع می‌خورد، به غارت بیت المال دست زدند، در نتیجه‌ی این اوضاع رشته‌اش پنبه شد و اعمالش کار او را تمام ساخت و شکم‌بارگی سرنگونش نمود.»^۲

به دلیل اینکه حضرت زهرا ع از این افراد و آینده جامعه اسلامی آگاه بود، تمام تلاش خود را برای ایجاد حکومتی صالح و عادل به کار بست تا جامعه‌ای با ثبات و تکامل یافته شکل بگیرد ولی موفق نگشت.

از طرف دیگر حضرت زهرا ع به عنوان دختر پیامبر با زندگی ساده و زاهدانه‌ای که داشتند باعث الگو گرفتن مردم در ساده زیستی و دوری از حرص در زمان پیامبر و نیز در طول تاریخ گردیده‌اند. زیرا وجود نازنین پیامبر خاتم ع یکی از عوامل بی‌ثباتی و ناآرامی را رغبت به دنیا و عدم زهد معرفی می‌نمایند و می‌فرمایند:

الرَّغْبَةُ فِي الدُّنْيَا تَكْثُرُ لَهُمَّ وَالْحُزْنَ وَالرُّهْدُ فِي الدُّنْيَا يُرِيحُ الْقَلْبَ وَالْبَدَنَ.^۳
رغبت در دنیا اندوه و غم را زیاد می‌کند و زهد در دنیا آسایش دل و بدن را می‌افزاید.

۱. محمد بن حسین شریف الرضی، نهج البلاغة (للصباحی صالح)، ص: ۴۸.

۲. محمد بن حسین شریف الرضی، نهج البلاغة (للصباحی صالح)، ص: ۴۹.

۳. محمد بن علی بن بابویه، الخصال، ج ۱، ص: ۷۴.

فلذا زندگی حضرت زهرا علیها السلام که طبیعتاً در معرض دید مسلمانان بوده است و صحابه پیامبر زندگی ساده و زاهدانه آن حضرت را دیده و نقل نموده‌اند باعث اشاعه ترک حرص و زهد نسبت به دنیا در بین مسلمین می‌شده است و این مسئله باعث کم شدن تنش و اختلافات و ایجاد آرامش در جامعه اسلامی می‌گردیده است. همان طور که جناب سلمان پس از دیدن چادر حضرت زهرا علیها السلام می‌گرید و می‌گوید:

آه آه که دختران قیصر و کسری غرق ابریشم هستند و لباس دختر حضرت محمد صلی الله علیه و آله یک قطعه پشمی است که مندرس و دوازده موضع آن دوخته و وصله شده!!^۱

فعالیت دیگر حضرت زهرا علیها السلام در جهت ایجاد ثبات در جامعه صدقات و موقوفاتی بود که غالباً آن حضرت با ایثار آن‌ها را در بین فقراء مسلمین تقسیم می‌نمود و این کار باعث کم شدن فقر در جامعه و دوری از فساد می‌گردید همان گونه که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمودند:

كَادَ الْفَقْرَانُ يَكُونَا كُفْرًا^۲

فقر نزدیک است که به کفر بیانجامد.

همچنین فقر باعث ایجاد تشویش و اضطراب در بین مسلمانان می‌شود همان گونه که حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند:

إِنَّ الْفَقْرَ مَذَلَّةٌ لِلنَّفْسِ مَذْهَبَةٌ لِلْعَقْلِ جَالِبٌ لِلْهُمُومِ^۳

همانا فقر باعث ذلت نفس و باعث سرگردانی عقل و جلب کننده غم‌ها است.

۱. محمد جواد نجفی، زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (ترجمه جلد ۴۳ بحار الأنوار)، ص: ۱۰۹.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی (ط - دارالحدیث)، ج ۳، ص: ۷۴۸.

۳. عبدالواحد بن محمد تسمی آمدی، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص: ۳۶۵.

بنابراین حضرت زهرا علیها السلام از این طریق نیز باعث دور شدن غم‌ها و تشویش‌ها از جامعه مسلمین می‌شده است. همان‌گونه که نقل شده است:

قال زید بن علی: إن فاطمة بنت رسول الله صلی الله علیه و آله تصدقت بما لها علي بنی هاشم و بنی المطلب، وإن علياً عليه السلام تصدق عليهم و أدخل معهم غيرهم.^۱
 زید بن علی می‌فرماید: حضرت زهرا علیها السلام اطهر علیها السلام کلیه اموال خود را به بنی هاشم و فرزندان عبد المطلب صدقه داد. حضرت امیر هم کلیه اموال خود را به ایشان و دیگران صدقه داد.

همچنین آن بانوی یگانه لباس عروسی خویش را به فقیر داد.^۲ این صدقات آن قدر گسترده و مؤثر بود که حتی خداوند در قرآن کریم به بعضی از آن‌ها اشاره نموده و می‌فرماید:

وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلِيَّ حَبِيبًا وَسَكِينًا وَتَيْمًا وَآسِيرًا.^۳

در ذیل این آیه در روایتی از امام صادق علیه السلام وارد شده است که این آیه در شأن حضرت زهرا علیها السلام و امیرالمؤمنین علیه السلام نازل شده است.^۴
 این‌گونه حضرت زهرا علیها السلام طریقه ایجاد آرامش در جامعه را برای ما به یادگار گذاشته‌اند تا مؤمنین و خیر خواهان با عمل به این تعالیم و فرامین باعث پیشرفت و تعالی جوامع اسلامی گشته و با ایجاد آرامش و ثبات در جامعه، در رشد جامعه اسلامی سهیم باشند و وظیفه خود را در قبال مسلمین انجام دهند.

۱. محمد بن جریر بن رستم طبری آملی صغر، دلائل الإمامة (ط - الحدیثة)، ص: ۱۳۱.

۲. اسماعیل انصاری زنجانی خوئنی، الموسوعة الكبرى عن فاطمة الزهراء، ج ۱، ص: ۱۸۹.

۳. الإنسان، آیه ۸.

۴. علی بن ابراهیم قمی، تفسیر القمی، ج ۲، ص: ۳۸.

پرورش احساس

روزی رسول خدا ﷺ بعد از نماز عصر در محراب مسجد نشسته بود و مردم اطراف او را گرفته بودند. در این حال پیرمردی از مهاجرین که لباس‌های کهنه به تن داشت و از شدت ضعف قدرت حفظ خود را نداشت به نزد ایشان آمد. پیامبر ﷺ از احوال او سوال کرد. او گفت: ای محمد! گرسنه‌ام، غذایی به من بده. برهنه‌ام، لباسی در اختیارم بگذار. پیامبر ﷺ فرمود: من چیزی ندارم که به تو بدهم ولی تو را به جایی راهنمایی می‌کنم که خدا را بر خود مقدم می‌دارند! به سوی خانه فاطمه برو.

سپس رسول خدا ﷺ به بلال فرمود: برخیز و این اعرابی را به در خانه فاطمه بفرست.

آن پیرمرد همراه بلال رفت تا به در خانه فاطمه ﷺ رسیدند و با صدای رسا گفت: «السلام علیکم یا اهل بیت النبوة و مختلف الملائكة و مهبط جبرئیل الروح الامین بالتنزیل من عند رب العالمین».

فاطمه ﷺ فرمود: و علیک السلام، تو کیستی؟

پیرمرد جریان درخواستش و فرمایش پیامبر ﷺ را مطرح کرد.

حضرت فاطمه ﷺ پوستینی را که حسن و حسین روی آن می‌خوابیدند، به آن پیرمرد داد.

پیرمرد گفت: ای دختر محمد! من با وجود این ضعف و گرسنگی با این پوست چه کنم؟

راوی گوید: هنگامی که فاطمه ﷺ این سخن را شنید، گردن بند خود را که فاطمه بنت حمزه - دختر عمویش - به وی هدیه کرده بود، از گردن خویش باز کرده و به پیرمرد داد و گفت:

این گردن‌بند را بفروش، شاید خداوند مهربان بهتر از این را به تو عطا فرماید.

پیرمرد پس از آنکه گردن‌بند را گرفت، به سوی مسجد بازگشت و به رسول خدا ﷺ گفت: ای رسول خدا! این گردن‌بند را دختری فاطمه علیها السلام به من بخشید و گفت: آن را بفروش، شاید خداوند بهتر از آن را نصیب تو فرماید.

پیامبر ﷺ با دیدن گردن‌بند گریه‌اش گرفت و گفت: چگونه خداوند به تو بهتر از آن نصیب نفرماید، در حالی که فاطمه علیها السلام دختر بزرگترین پیامبر خدا ﷺ آن را به تو عطا کرده است.

در این حال عمار برخواست و گفت: ای رسول خدا! آیا اجازه می‌دهی که من این گردن‌بند را بخرم؟

پیامبر ﷺ فرمود: آن را خریداری کن، و الله اگر تقلین در خریداری آن شرکت کنند، خدا هرگز آنان را به آتش دوزخ عذاب نخواهد کرد.

عمار گفت: ای پیرمرد! این گردن‌بند را به چه قیمتی می‌فروشی؟ پیرمرد گفت: به یک شکم نان و گوشت و یک برد یمانی که بدن خود را به وسیله آن بپوشانم و با آن برای خدا نماز بگذارم و یک دینار که به کمک آن به اهل و عیال خویش برسم.

عمار که سهم خود از غنائم خیبر را فروخته بود گفت: بیست دینار و دو بیست درهم و یک بُرد یمانی، با شتری راهوار که تو را به آسانی به وطنت می‌رساند، با یک شکم نان گندم و گوشت به تو می‌دهم و آن را از تو خریداری می‌نمایم.

پیرمرد گفت: ای مرد، تو چقدر سخاوتمندی! سپس عمار آنچه را وعده کرده بود به او داد و گردن‌بند را گرفت. بعد از آن رسول خدا ﷺ به پیر

عرب گفت: آیا سیر شدی؟ آیا بدن خود را پوشانیدی؟
 پیر مرد گفت: آری، پدر و مادرم به فدای تو، من دیگر بی نیاز گردیدم.
 سپس عمّار گردن بند فاطمه را با مشک خوشبو نموده و آن را در میان
 بُردی یمانی پیچید و تحویل غلامی به نام سهیم داد و به او گفت: این
 را تحویل پیامبر بده و خود آن غلام را نیز به پیامبر ﷺ هدیه نمود.
 آن غلام گردن بند را نزد رسول خدا ﷺ آورده و سخنان عمّار را برای
 ایشان باز گفت، پیامبر ﷺ به او گفت: من تو را با این گردن بند به
 فاطمه بخشیدم. سهیم به نزد فاطمه آمد و سخن پیامبر ﷺ را برای
 او بیان نمود، و فاطمه ﷺ آن گردن بند را گرفته و غلام را آزاد کرد.
 غلام مذکور پس از اینکه آزاد شد، خندید. فاطمه ﷺ گفت: ای مرد!
 برای چه می خندی؟

غلام گفت: عظمت برکت و خیر کثیر این گردن بند مرا خندان نموده
 است، زیرا اگر سینه‌ای را سیر کرد، برهنه‌ای را پوشانید، فقیری را بی نیاز
 کرد، غلامی را آزاد نمود در نهایت نیز به دست صاحب اصلیش باز گشت.^۱

رفتار سازی

شیخ صدوق رحمته الله علیه به سه سند از اسما بنت عمیس روایت می کند:
 من نزد حضرت فاطمه بودم هنگامی که رسول خدا ﷺ وارد خانه آن
 بانو گردید و در گردن او گردن بندی از طلا دید که حضرت علی رضی الله عنه از
 سهم غنائم خویش برای فاطمه خریده بود، پس پیامبر به فاطمه رضی الله عنها
 فرمود:

ای فاطمه! آیا دوست می داری که مردم بگویند فاطمه دختر محمد صلی الله علیه و آله

۱. محمد روحانی علی آبادی، زندگانی حضرت زهرا رضی الله عنها، ترجمه بحار الأنوار، ص: ۳۲۷.

است ولی لباس ستمگران و زیور زور گویان را مورد استفاده قرار می‌دهد؟ پس فاطمه علیها السلام آن گردن بند را باز کرده و فروخت و با پول آن برده‌ای را خریده و آزاد نمود، و رسول خدا صلی الله علیه و آله از این کردار فاطمه خوشحال گردید.^۱

حضرت زهرا علیها السلام این گونه از زندگی خود می‌کاست تا مسلمین در آسایش باشند و جامعه در ثبات و آرامش باشد.

همچنین حضرت فاطمه علیها السلام در تدارکات جنگ‌ها حضور فعال داشتند تا جایی که در جنگ خندق وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله در حال کندن خندق بودند، حضرت زهرا علیها السلام برای ایشان تکه نانی می‌برد و وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد این تکه نان سوال می‌کند، حضرت زهرا علیها السلام می‌فرماید: من برای حسن و حسین علیهما السلام نان درست کردم و از آن نان قسمتی را برای شما آوردم. در اینجا پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

«یا فاطمة، أما إنه أول طعام دخل جوف أبیک منذ ثلاث.»

ای فاطمه بدان که این اولین غذایی است که بعد از سه روز در شکم پدرت می‌رود.^۲

و این گونه زهرا علیها السلام اطهر علیها السلام پیامبر و مسلمین را یاری می‌نمود و از هیچ کوششی در جهت تقویت روحیه مسلمانان و آرامش جامعه اسلامی دریغ نمی‌فرمود.

روضه

ما در این محفل با اندکی از مجاهدت‌های حضرت زهرا علیها السلام برای

۱. محمد روحانی علی‌آبادی، زندگانی حضرت زهرا علیها السلام، ترجمه بحار الأنوار، ص: ۲۱۸.

۲. اسماعیل انصاری زنجان، الموسوعة الکبری عن فاطمة الزهراء، ج ۸، ص: ۵۰۰.

ایجاد ثبات و آرامش در جامعه اسلامی آشنا شدیم. آن حضرت همواره به گونه‌های مختلف، سعی در تکامل و پیشرفت اهداف عالیه اسلام داشتند. یکی از این تلاش‌ها دعا کردن برای مؤمنین بود تا جایی که امام حسن علیه السلام نقل می‌کند:

در شب جمعه مادرم حضرت فاطمه علیها السلام در محراب عبادت خود ایستاده و مشغول بندگی حق تعالی گردید و پیوسته در رکوع و سجود و قیام و دعا بود تا صبح طالع شد، شنیدم که پیوسته دعا می‌کرد از برای مؤمنین و مؤمنات و ایشان را نام می‌برد، و دعا برای ایشان بسیار می‌کرد و از برای خود دعائی نمی‌کرد. پس گفتم: ای مادر چرا از برای خود دعا نکردی چنانچه از برای دیگران دعا کردی؟ گفت: ای فرزند! اول همسایه را باید رسید و بعد خود را.^۱

ولی افسوس که اهل مدینه قدر این بانوی دلسوز و مادر امت^۲ را ندانستند و او را تنها گذاشتند.

و این تنهایی و غربت را امیرالمؤمنین علیه السلام بعد از دفن حضرت زهرا علیها السلام در جملاتی خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله ابراز می‌نماید. حضرت می‌فرماید:

ای پیامبر! امانتی را که به من سپرده بودی به تو برگردانده شد، اما اندوه من همیشگی است و شب‌هایم را با بیداری به سر می‌برم تا اینکه به تو پیوندم. به زودی دخترت تو را آگاه خواهد کرد که امت تو به ستم کردن هم‌رأی شدند. چگونگی حال را بی‌پرده از او پپرس.

خداوند شاهد است که من از ترس دشمنان، دخترت را پنهان به خاک سپردم. آن دختر تو که حقش را ربودند و میراث او را باز داشتند، با اینکه

۱. محمد باقر مجلسی، جلاء العیون، ص: ۱۹۳.

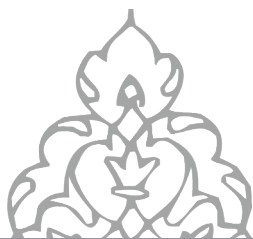
۲. علی بن موسی بن طاووس، إقبال الأعمال (ط - القدیمة)، ج ۲، ص: ۶۲۴.

از زمان تو چندان نگذشته و نام تو هنوز کهنه نشده است. به پیشگاه تو ای رسول خدا شکایت می‌آورم و در اطاعت از تو تسلی خاطر و صبر و شکیبایی نیک است.^۱

دخترم خوش آمدی جای تو در دنیا نبود
بی وجود تو صفا در گلشن عُقبا نبود
جان بابا بارها مرگ از خدا کردم طلب
بی تو جز خون جگر در دیده‌ی زهرا نبود
دخترم آن شب که من دست علی دادم تورا
جای پنج انگشت سیلی در رخت پیدا نبود
جان بابا نقش این سیلی گواهی می‌دهد
هیچکس مثل من و مثل علی تنها نبود
دخترم روزی که بر ماه رخت سیلی زدند
هر چه می‌پرسم بگو آیا علی آنجا نبود؟
جان بابا بود اما دست‌هایش بسته بود
چاره‌ای جز صبر بین دشمنان او را نبود
دخترم آیا حسینم دید مادر را زدند
شاهد این صحنه آیا بود زینب یا نبود؟
جان بابا لرزه بر اندامشان افتاده بود
ذکرشان جز یا رسول الله و یا اُمّا نبود
دخترم با آن همه احسان که دیدامت ز من
بوسه گل میخ در اجر ذوی القربی نبود

۱. محمد بن الحسن الطوسی، الامالی، النص، ص: ۱۰۹.

جان بابا خانه پر گردید از دشمن ولی
هیچ کس جز فضا و دیوار و در با ما نبود
دخترم چون سینه مجروح تو آسیب دید
درد آن جز در درون سینه بابا نبود^۱



شب چهارم

هدایت‌گری

حضرت زهرا علیها السلام

انگیزه‌سازی

ابن شهر آشوب و قطب الدین راوندی می‌گویند:
روایت شده که علی علیه السلام مقداری جواز یک یهودی قرض کرد، یهودی
مزبور گفت:

باید در ازای آن چیزی را به عنوان رهن در نزد من بگذاری. علی علیه السلام
چادر حضرت فاطمه علیها السلام را که از پشم بود به او داد. آن شخص چادر را
گرفته و به خانه برده و در اطاقی گذاشت. به هنگام شب زن آن شخص
برای انجام کاری داخل اطاق مذکور گردید و نوری را دید که اطاق
را روشن کرده، فوراً از اطاق خارج شد و آنچه را دیده بود به شوهرش
اطلاع داد، مرد یهودی که فراموش کرده بود چادر فاطمه علیها السلام در آن
اطاق است تعجب نمود و به سرعت برخاسته داخل آن اطاق گردید و
بلافاصله دریافت که آن نور از چادری ساطع می‌شود که علی علیه السلام آن را
گرو گذاشته است. پس آن مرد یهودی و همسرش از خانه خارج شده
و هر یک به سوی اقوام خویش شتافته و آنها را از معجزه‌های که دیده
بودند آگاه نمودند، و در اثر این واقعه هشتاد نفر از آنها به اسلام متمایل

گردیده و ایمان آوردند.^۱

آری! وجود مقدس حضرت فاطمه علیها السلام منشأ برکات فراوان و باعث هدایت بسیاری از غیر مسلمانان به دین مبین اسلام بوده است. همچنین مسلمانان از رهنمودها و هدایتگری ایشان بهره‌ها برده‌اند که بخشی از آن در تاریخ به ثبت رسیده است. البته بخشی از این توفیقات به سبب معجزات و کرامات و بخشی نیز به سبب گفتار و رفتار ایشان واقع شده است. داستانی که ذکر شد از مواردی است که کرامات و معجزات آن بانوی عظیم الشان باعث هدایت افراد زیادی شده است. در بخش دوم نیز می‌توان گفت که افراد بسیاری با سخنان و رفتار آن بانوی بزرگوار در مسیر عبودیت و بندگی خداوند قرار گرفته‌اند که یک نمونه از آن را خدمتتان عرض می‌نماییم.

در برخی کتابها نقل شده است که یکی از نوادگان امرؤ القیس^۲ شنید که مردی در مکه و مدینه ادعای نبوت کرده است و کلامی را برای مردم می‌خواند که بشر از آوردن مثل آن عاجز است.

پس به سمت مدینه به راه افتاد و پرسید: چه کسی محبوب‌ترین مردم است در نزد مردی که ادعای نبوت کرده است؟

پس گفتند: دخترش که نامش فاطمه است. پس به خانه فاطمه آمد. پس زمانی که به خانه فاطمه علیها السلام رسید فاطمه علیها السلام را در حال نماز یافت. پس نشست تا بشنود که در نمازش چه می‌خواند. پس شنید که سوره زلزال را می‌خواند. پس وقتی که آن حضرت از نماز فارغ شد آن زن به او

۱. محمد روحانی، زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (ترجمه جلد ۴۳ بحار الأنوار)؛ ص ۲۲۹.

۲. اودر زمان خود فصیح‌ترین شخص در بین قبیله خود بود. که حضرت علی علیه السلام او را دریانی که در حکمت ۴۵۵ نهج البلاغه دارد شاعرترین شعرا معرفی نموده‌اند.

گفت: چرا اشعار جد مرا همان گونه که هست نمی خوانی؟ فاطمه گفت: جدّ تو کیست؟ زن گفت: امرؤ القیس است و ابیات زیادی دارد و چند بیت را که شبیه آیات سوره زلزال بود خواند و گفت: اگر اشعار جدّ مرا می خوانی آنها را ناقص نکن و تغییر مده. پس فاطمه علیها السلام فرمود: آنچه که خواندم شعر نبود بلکه کلام خداوند بود که جبرئیل امین آن را برای پدرم آورده است. پس زن گفت: بعضی از آیاتش را که مشتمل بر بلاغت و فصاحت است برایم بخوان. فاطمه علیها السلام فرمود: همه قرآن در نهایت فصاحت و بلاغت است. پس زن گفت: فصیح‌ترین آن‌ها را برایم بخوان.

حضرت زهرا علیها السلام این آیه را برای او خواندند:

وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ^۱

دختر امرؤ القیس گفت: پدرم نیز ابیاتی درباره زندگی و قصاص دارد ولی با این فصاحت و بلاغت نیست. باز هم از این کلمات برای من بخوان.

حضرت زهرا علیها السلام این آیه را برای او قرائت نمودند:

وَقِيلَ يَا أَرْضُ ابْلَعِي مَاءَكَ وَيَا سَمَاءِ أَقْلِعِي وَغِيضَ الْمَاءِ وَقُضِيَ الْأَمْرُ وَاسْتَوَتْ عَلَى الْجُودِيِّ^۲

در این هنگام او شهادتین بر زبان جاری نمود و مسلمان شد و گفت: شهادت می‌دهم که این کلام، کلام بشر نیست.^۳

اقتناع اندیشه

همان‌طور که مطرح کردیم، وجود مقدس حضرت زهرا علیها السلام سبب

۱. البقره، آیه ۱۷۹.

۲. هود، آیه ۴۴.

۳. اسماعیل انصاری زنجانی، الموسوعة الكبرى عن فاطمة الزهراء، ج ۲۱، ص: ۱۲۸.

هدایت بسیاری از مردم بوده است.

در اینجا این مقدمه قابل ذکر است که هدایت و ارشاد انسان‌ها به دو صورت انجام می‌پذیرد. یکی هدایت تکوینی و دیگری هدایت تشریحی. اما هدایت تکوینی هدایتی است که به امور تکوینی تعلق می‌گیرد، مانند اینکه خداوند هر یک از انواع مصنوعات را که آفریده، او را به سوی کمال و هدفی که برایش تعیین کرده و اعمالی که در سرشتش گذاشته راهنمایی فرموده و شخصی از اشخاص آفریده را به سوی آنچه برایش مقدر شده و نهایت و سررسیدی که برای وجودش قرار داده است به راه انداخته، چنان که می‌فرماید:

(رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى)^۱

و نیز می‌فرماید:

(الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّى وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَى)^۲

و اما هدایت تشریحی: این هدایت مربوط است به امور تشریحی از قبیل اعتقادات حق و اعمال صالح که امر و نهی، بعث و زجر و ثواب و عقاب خداوند همه مربوط به آن است. این قسم هدایت نیز دو گونه است: یکی ارائه طریق یعنی صرف نشان دادن راه که هدایت مذکور در آیه (إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا)^۳ از آن قبیل است. دیگر ایصال به مطلوب یعنی دست طرف را گرفتن و به مقصد رساندن که در آیه (وَ لَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَاهُ بِهَا وَلَكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ وَاتَّبَعَ هَوَاهُ)^۴ به آن اشاره شد.^۵

۱. طه، آیه ۵۰.

۲. الاعلی، آیه ۲ و ۳.

۳. الإنسان، آیه ۳.

۴. الأعراف، آیه ۱۷۶.

۵. سید محمد باقر موسوی همدانی، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۷، ص ۴۷۷.

در مورد هدایت تشریحی نیز باید توجه داشته باشیم که در روایات متعدد وارد شده است که تنها راه هدایت به سوی خداوند، اهل بیت عصمت علیهم السلام هستند و هدایت یافتن فقط و فقط از طریق آن انوار مقدسه امکان پذیر است؛ همان گونه که در ذیل آیه (وَ أَنْ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ)^۱ وارد شده است:

عن ابی جعفر علیه السلام قال: «أتدري ما يعني بصراطي مُسْتَقِيمًا؟» قلت: لا. قال: «ولاية علي والأوصياء عليهم السلام»^۲

حال که اختصاص مسیر عبودیت و هدایت به اهل بیت عصمت علیهم السلام مشخص شد شأن هدایتگری حضرت زهرا علیها السلام بیشتر مشخص می گردد. زیرا حضرت زهرا علیها السلام به فرموده قرآن کریم یکی از بزرگترین هدایتگران بشر بوده و هستند تا آنجا که خداوند در قرآن کریم می فرماید:

إِنَّهَا لِأَحَدِي الْكُبْرَى نَذِيرًا لِلْبَشَرِ^۳

همانا او یکی از بزرگان است که بشر را هشدار می دهد.

و امام باقر علیه السلام در ذیل این آیه می فرماید:

فِي قَوْلِهِ إِنَّهَا لِأَحَدِي الْكُبْرَى نَذِيرًا لِلْبَشَرِ قَالَ يَعْنِي فَاطِمَةَ علیها السلام

و عجیب تر آن است که در این بین که اهل بیت عصمت علیهم السلام تنها راه هدایت و وسیله سعادت انسان ها هستند، حضرت زهرا علیها السلام باعث هدایت امامان معصوم علیهم السلام نیز می گردد و هدایتگران امت را نیز به

۱. انعام/۱۵۳.

۲. سیدهاشم بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص: ۴۹۸.

۳. المدثر، آیه ۳۶.

سوی خداوند رهنمون می‌سازد.

آن حضرت علاوه بر تربیت امام حسن و امام حسین علیه‌السلام به عنوان دو امام معصوم و سرور جوانان اهل بهشت، با مصحف خود وسیله هدایت امامان دیگر نیز گردیده است. همان گونه که امام صادق علیه‌السلام تاریخ ظهور زنادقه را مطرح فرمود و در ادامه فرمودند که این مطلب را از مصحف فاطمه علیها‌السلام می‌گویم. سپس در توضیح این کلامشان فرمودند:

إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَمَّا قَبِضَ نَبِيَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دَخَلَ عَلَيَّ فَاطِمَةَ مِنْ وَقَاتِهِ مِنَ الْحُزْنِ مَا لَا يَعْلَمُهُ إِلَّا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فَأَرْسَلَ إِلَيْهَا مَلَكَائِي سَلِّيَ عَنْهَا غَمَّهَا وَيُحَدِّثُهَا فَشَكَتْ ذَلِكَ إِلَيَّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ لَهَا إِذَا أَحْسَسْتِ بِذَلِكَ فَسَمِعْتِ الصَّوْتِ فَقُولِي لِي فَأَعْلَمْتُهُ فَجَعَلَ يَكْتُبُ كُلَّمَا سَمِعَ حَتَّى أَثْبَتَ مِنْ ذَلِكَ مُصْحَفًا قَالَ ثُمَّ قَالَ أَمَا إِنَّهُ لَيْسَ فِيهِ مِنَ الْحَلَالِ وَالْحَرَامِ وَلَكِنَّ فِيهِ عِلْمٌ مَا يَكُونُ^۱.

زمانی که خداوند تبارک و تعالی پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را قبض روح کرد، بر فاطمه علیها‌السلام به سبب وفات ایشان آنقدر اندوه وارد شد که غیر از خدا هیچ کسی نمی‌داند. پس خداوند فرشته‌ای را به سوی زهرا علیها‌السلام فرستاد تا او را تسلی دهد و با او صحبت کند. پس زهرا علیها‌السلام این مطلب را به امیرالمؤمنین علیه‌السلام گفت. علی علیه‌السلام به او فرمود: زمانی که آن را احساس کردی و صدایش را شنیدی به من بگو. حضرت زهرا علیها‌السلام نیز در وقتی که فرشته الهی می‌آمد به علی علیه‌السلام می‌گفت و آن حضرت نیز هر آنچه که می‌شنید می‌نوشت تا اینکه آن شنیده‌ها به صورت مصحفی درآمد. سپس امام صادق علیه‌السلام فرمودند: آگاه باش که در آن از حلال و حرام

چیزی نیست، بلکه در آن علم اتفاقات آینده است. در برخی روایات نیز وارد شده که این فرشته الهی جناب جبرئیل امین بوده است.^۱

و شگفت اینکه حتی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف که خود مهدی الأمم هستند، نیز می فرمایند:

و فِي ابْنَةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لِي أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ.^۲

و عجیب تر آنکه حتی سید الأوصیاء حضرت علی ع نیز از نور وجود حضرت زهرا ع بهره مند گردیده اند. نمونه ای از این نورافشانی دریا‌های نور را در این مجال مطرح می نماییم:

از علی ع روایت شد که فرمود:

ما نزد رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نشسته بودیم که آن حضرت فرمود: به من بگوئید که چه چیزی برای زنان بهتر است؟

همه ما از جواب بازماندیم و متفرق شدیم، و من نزد فاطمه آمدم و آنچه را که پیامبر از ما پرسیده بود و ما نتوانسته بودیم جواب دهیم، برای او باز گفتم. فاطمه گفت: ولی من جواب این سؤال را می دانم، بهترین چیز برای زنان آن است که مردان را نبینند و مردان نیز آنان را نبینند. علی ع گوید: من به نزد رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ باز گشتم و به آن حضرت گفتم: ای رسول خدا! من پاسخ آن سؤال را می دانم و آن این است که بهترین چیز برای زنان آن است که مردان را نبینند و مردان نیز آنها را نبینند.

رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: چرا هنگامی که نزد من بودی این جواب را

۱. محمد بن حسن صفار، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد ع، ج ۱، ص: ۱۵۳.

۲. محمد بن الحسن طوسی، الغیبة (للطوسی) / کتاب الغیبة للحجة، النص، ص: ۲۸۶.

بیان نکردی، بگو بدانم چه کسی آن را به تو تعلیم داده است؟
گفتم: فاطمه علیها السلام، پس رسول خدا صلی الله علیه و آله از این امر تعجب کردند و گفتند:
همانا فاطمه پاره‌ای از تن من است.^۱

آری! آن بانوی عظیم الشان که در زمان خودش نیز تلاش وافری در جهت هدایت مردم و جامعه اسلامی مبذول داشت، در طول تاریخ باعث هدایت انسان‌های زیادی گردید و این هدایت‌ها نه تنها برای عموم مسلمانان انجام شده است بلکه برای اولیاء خدا نیز بوده و باعث تقرب به خداوند و مایه هدایت بیشتر آن‌ها گردیده است.
و این گونه فاطمه علیها السلام باعث هدایت مسلمین و حتی اولیاء الهی می‌گردد و تمامی خلائق غیر از نبی مکرم اسلام از نور وجود ایشان در جهت هدایت بهره‌مند می‌شوند.

پرورش احساس

همان گونه که مطرح کردیم حضرت زهرا علیها السلام در مدت کوتاه حیات پربرکشان همیشه در فکر هدایت دیگران به سمت مسیر حق بودند. تا آنجا که وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله برای اعرابی تازه مسلمان شده که از قبیله بنی سلیم بود غذا خواستند، سلمان به خانه حضرت فاطمه علیها السلام رفت و ماجرای مسلمان شدن اعرابی و درخواست پیامبر را به حضرت زهرا علیها السلام عرضه داشت. فاطمه علیها السلام فرمود: ای سلمان! به حق آن خدائی که محمد صلی الله علیه و آله را به پیامبری مبعوث نموده، مدت سه روز است که ما غذا نخورده‌ایم، حسن و حسین از شدت گرسنگی به من بهانه‌جویی می‌کنند و اکنون ایشان نظیر دو جوجه به خواب رفته‌اند، ولی در عین

۱. محمد روحانی، زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (ترجمه جلد ۴۳ بحار الأنوار)، ص: ۳۱۹.

حال موقعی که خیری بر در خانه من بیاید، آن را رد نخواهم کرد. ای سلمان! این پیراهن مرا بگیر و نزد شمعون یهودی ببر و به او بگو: فاطمه دختر محمد ﷺ می گوید: این پیراهن را بردار و در مقابل آن یک من خرما و یک من جو به من بده تا بعداً با خواست خدا بپردازم. سلمان آن پیراهن را گرفت و پس از اینکه نزد شمعون یهودی آمد به وی گفت: این پیراهن فاطمه ﷺ دختر حضرت محمد ﷺ است، فاطمه می گوید: این پیراهن را بگیر و در مقابل آن یک من خرما و یک من جو به من بده تا بعداً با خواست خدا به تو پرداخت کنم. شمعون آن پیراهن را گرفت و در میان دو دست زیر و رو می کرد و چشمانش اشک می ریخت و می گفت:

ای سلمان! این همان زهد و تقوای واقعی است در دنیا! این همان زهدی است که تورات حضرت موسی به ما خبر داده، من اکنون شهادت می دهم که خدا یکی است و حضرت محمد ﷺ بنده و رسول او می باشد. یهودی اسلام آورد و اسلام او بسیار نیکو شد.

سپس آن یهودی یک من خرما و یک من جو به سلمان داد، سلمان آنها را آورد و به حضرت فاطمه ﷺ تقدیم نمود، حضرت زهرا ﷺ آن جو را با دست خود آسیا کرد و از آرد آن نان پخت. آن گاه آن نان ها را به سلمان داد و به او فرمود: این نان ها را بگیر و به حضور پیامبر ﷺ ببر. در نتیجه معجزه‌ی پیامبر و امکاناتی که اصحاب و حضرت زهرا ﷺ به آن عرب بنی سلیم دادند، در آن روز تعداد چهار هزار مرد که صاحبان پرچم‌های سبز بودند، ایمان آورده و در اطراف پیغمبر خدا گرد آمدند.^۱

۱. محمد جواد نجفی، زندگانی حضرت زهرا ﷺ (ترجمه جلد ۴۳ بحار الأنوار)، ص ۸۶.

رفتار‌سازی

مردی به زن خود گفت برو خدمت حضرت فاطمه علیها السلام دختر رسول خدا و از او برایم سؤال کن که آیا من از شیعیان آن‌ها هستم یا نه؟ آن زن خدمت حضرت زهرا علیها السلام آمده و سوال را پرسید. حضرت فرمودند: به شوهرت بگو اگر به آنچه ما فرمانت دادیم عمل می‌کنی و از آنچه تو را نهی نمودیم خودداری می‌کنی، تو از شیعیان ما هستی و آلا نه. زن باز گشت و جریان را به شوهرش گفت. مرد تا شنید گفت: وای بر من! کیست که بتواند از گناه و لغزش جدا شود و در این صورت من در دوزخ جاوید و همیشگی هستم، زیرا با این بیان که حضرت فرموده، من شیعه آنها نیستم و هر کس شیعه اهل بیت نباشد در آتش دوزخ مخلد است. زن دوباره خدمت حضرت زهرا علیها السلام آمد و سخن شوهرش را عرض کرد. حضرت فرمود: به او بگو چنین نیست، شیعیان ما بهترین مردم بهشت هستند و هر کس ما را دوست دارد و دوستدار دوستان ما و دشمن دشمنان ماست و با دل و زبان تسلیم ماست، اگر با دستورات ما مخالفت کند، از شیعیان ما نیست ولی با این وضع، آنها نیز اهل بهشت هستند. اما بعد از اینکه با ابتلاء به مصیبت‌های دنیا یا گرفتاری در عرصات قیامت و مشکلات گوناگون آن روز، یا رفتن در طبقه بالای دوزخ از گناهان پاک شود و وقتی پاک شد چون از دوستان ماست او را نجات می‌دهیم و او را به جایگاه خود منتقل می‌سازیم.^۱

آری! حضرت زهرا علیها السلام بسیار دقیق جانب‌خوف و رجاء‌را رعایت می‌نمودند و همگان را به سمت و سوی تقوای الهی و بهره‌مندی از آموزه‌های اسلامی سوق می‌دادند.

۱. علی‌تهرانی، شعه درپشگاه قرآن و اهل بیت علیهم السلام (ترجمه جلد ۶۵ بحار الانوار)، ص: ۲۱۱.

روضه

گرچه حضرت زهرا علیها السلام در مسیر تعالی جامعه اسلامی زحمات فراوانی متحمل شدند و زمینه هدایت بسیاری از مردم را فراهم نمودند، ولی مردم بی وفای مدینه حق آن حضرت را اداء نکردند و در حق آن بانوی بزرگوار ظلم نمودند.

در زیارتنامه آن شفیعہ می‌خوانیم:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا التَّقِيَّةُ النَّقِيَّةُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الْمُحَدَّثَةُ الْعَلِيْمَةُ
السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الْمُظْلُومَةُ الْمُغْصُوبَةُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الْمُصْطَهَدَةُ
الْمَقْهُورَةُ»^۱

سلام بر تو ای ذات متقی پاک گوهر، سلام بر تو ای آنکه به الهام خدا دانا بودی، سلام بر تو ای مظلومی که حق تو را غصب کردند، سلام بر تو ای ستم کشیده و مقهور دشمنان دین.

آن بانوی مظلومه تا آخرین روزهای زندگی پر برکتش از فکر هدایت مردم غافل نبود و با اینکه در بستر شهادت قرار داشت باز هم در سخنانی به زنان مدینه که به عیادت ایشان آمده بودند، پس از حمد خدا و صلوات بر پیامبر فرمود:

«وای بر این اُمَّت! چه چیز آنان را از ستون‌های استوار رسالت و اساس نبوت و راهنمایی و مهبط فرشته وحی و دانا به تمام امور دنیا و آخرت، گمراه ساخت؟ آگاه باشید که این انحراف خسران مبین است. چرا این گونه أبو الحسن را عقوبت کردند؟! به خدا سوگند که این مجازات (خذلان و تنها گذاردن آن حضرت) فقط به خاطر ترس از شمشیر او و کمی ملاحظه در اجرای حق، و سختی و شدت جنگ او، و شجاعت کارزار، و بی‌مهابا بودن او در اجرای فرامین الهی بود.»^۲

۱. مفاتیح الجنان، ص ۳۱۷.

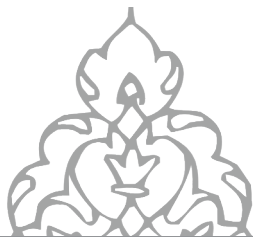
۲. بهراد جعفری، الإحتجاج (ترجمه الإحتجاج علی اهل اللجاج)، ج ۱، ص ۲۴۷.

آری او اینگونه نسبت به هدایت امت اسلامی غم‌خوار و حریص بود ولی این مردم او را تنها گذاشتند و هنگامی که درب خانه آن مظلومه می‌سوخت، هیچ کس از مردم مدینه به یاری آن پاره‌ی تن پیامبر نرفت.

بابا چه بی وفا شده دنیای بعد تو
 من ماندم و مصائب عظمای بعد تو
 چشم انتظار رفتن تو بود امت
 شعله کشید فتنه ز فردای بعد تو
 داغت برای فاطمه سنگین تمام شد
 پشت مرا شکسته قضایای بعد تو
 اصحاب تو چه زود به ما پشت پازدند
 آری گواه فاطمه شبهای بعد تو
 دارد به قتل حجت حق حکم می‌کند
 اجماع این سقیفه و فتوای بعد تو^۱
 در کوچه‌ها ادا شده اجر رسالت
 یعنی شکست حرمت مولای بعد تو
 در تنگنای این در و دیوار عاقبت
 از دست رفت امّ ابیهای بعد تو
 آتش، هجوم، کوچه، قباله، فدک! ببین
 چیزی نمانده از تن زهرای بعد تو
 قنفذ معاف می‌شود از مالیات‌ها!^۲
 سیلی به دخترت شده سرمایه بعد تو
 دیگر ببر مرا که زمانش رسیده است
 نه! نیست جای فاطمه دنیای بعد تو

۱. سلیم بن قیس هلالی، کتاب سلم بن قیس الهمالی، ج ۲، ص: ۸۶۸.

۲. سلیم بن قیس هلالی، کتاب سلم بن قیس الهمالی، ج ۲، ص: ۶۷۵.



شب پنجم

بصیرت دہی
حضرت زہرا علیہا السلام

انگیزه‌سازی

چون بانوی ما حضرت فاطمه علیها السلام به بستر بیماری افتاد (همان بیماری که منجر به فوت آن حضرت گشت) زنان انصار و مهاجرین برای عیادت به خدمت او رسیده و گفتند: با این بیماری چگونه شب را به صبح آوردی ای دختر پیامبر؟

حضرت زهرا علیها السلام نیز پس از حمد الهی و صلوات بر پدرش فرمود: به خدا سوگند در حالی شب را به صبح رساندم که از دنیای شما ناراضی، و از مردان شما بیزارم. آنان را پس از امتحان دور انداختم، و پس از مشاهده نیت سوء و رفتارهای ناهنجارشان از همه آنان کناره‌گیری نمودم!

سپس گمراه شدن پس از هدایت را به باد انتقاد گرفته و فرمود: قبیح و زشت باد آن شکاف‌های شمشیر (که در جهاد راه خدا ایجاد شد)، و هر کار لاهی پس از کاری جدی، و آن سنگ خوردن‌ها از کفار و آزار نیزه! و نتیجه‌اش این خطای در رأی و سستی نظر! چه کار بدی مرتکب شدند! که غضب الهی برای ایشان مهیا و تا ابد در جهنم خواهند ماند!

البته من ایشان را به راه حق خواندم و متوجه سنگینی آن نموده و همه چیز را بر آنان ظاهر نمودم. رویشان به خاک باد! مرگ بر آنان! لعنت بر قوم ستمکار!^۱

وای بر این امت! چه چیز آنان را از ستون‌های استوار رسالت و اساس نبوت و راهنمایی، و مهبط فرشته وحی، و دانا به تمام امور دنیا و آخرت، گمراه ساخت؟ آگاه باشید که این انحراف، خسران مبین است.^۲ چرا این‌گونه ابو الحسن را عقوبت کردند؟! به خدا سوگند که این مجازات (خذلان و تنهاگذارن آن حضرت) فقط بخاطر ترس از شمشیر او و کمی ملاحظه در اجرای حق، و سختی و شدت جنگ او، و شجاعت کارزار، و بی‌مه‌ابا بودن او در اجرای فرامین الهی بود، و به خدا سوگند اگر تمام امت از راه سعادت منحرف شده و از پذیرش راه روشن امتناع می‌کردند، امیر مؤمنان علی علیه السلام همه آنان را به راه آورده و آرام آرام و صحیح و سالم به سعادت و خوشبختی می‌کشاند، که نه خود خسته شود و نه ایشان ملول، و در نهایت آنان را به سرچشمه‌ای با آبی گوارا و مطلوب و عاری از هر خس و خاشاک می‌برد، و ایشان را از آن سیراب باز می‌گرداند و در خفا و آشکار ایشان را نصیحت می‌نمود در حالی که خود آن حضرت از غنای آنها بهره نمی‌برد و از دنیای ایشان برای خود چیزی ذخیره نمی‌فرمود، مگر به اندازه شربت آبی که تشنگی خود را سیراب کند و اندکی از طعام که گرسنه بدان سدّ جوع نماید، و در آن وقت زاهد از راغب و راستگو از دروغگو تمیز داده و شناخته می‌شد. «اگر مردم قریه‌ها و دهات ایمان می‌آوردند و پرهیزگاری می‌کردند،

۱. هود، آیه ۴۴.

۲. زمر، آیه ۱۵.

هر آینه درهای آسمان را به رحمت و برکت به روی ایشان باز می کردیم و زمین را رخصت می دادیم تا خیر و برکات خود را برون اندازد،^۱ و لکن چون مردم تکذیب آیات الهی کردند و به اعمال زشت پرداختند ما هم بر ایشان تنگ گرفتیم و به سبب کردار قبیح و عصیان، ایشان را معاقب و مأخوذ داشتیم»^۲ و کسانی که از این جماعت مرتکب ظلم و ستم شدند بزودی جزای اعمال بدشان به آنان می رسد.

آن قدر این سخنان حضرت زهرا علیها السلام تأثیر گذار بود و چنان مهاجر و انصار را به خاطر تنها گذاشتن ولایت محکوم کرد که آنان مجبور به دفاع از خود شدند و پس از شنیدن این سخنان از زبان زنان، به جانب آن حضرت شتافته و گفتند: ای بانوی زنان جهان، اگر علی بن ابی طالب پیش از آن که ما با ابوبکر بیعت کنیم و پیمان متابعت محکم کنیم؛ حاضر می شد و این سخنان را بیان می فرمود، هرگز سر از طاعت او بیرون نمی کردیم!

حضرت فاطمه علیها السلام فرمود: از من دور شوید! پس از اتمام حجت بر شما دیگر جایی برای عذر و بهانه شما نیست، و هیچ چیز چاره تقصیر و کوتاهی شما نکند.^۳

اقتناع اندیشه

ایجاد بصیرت در جامعه به دو صورت امکان دارد، یا با رفتار و یا با گفتار. حضرت زهرا علیها السلام تمام توان خویش را برای ایجاد بصیرت با هر دو

۱. اعراف، آیه ۹۶.

۲. زمر، آیه ۵۱.

۳. بهراد جعفری، الإحتجاج / ترجمه جعفری، ج ۱، ص: ۲۴۶.

روش انجام دادند. ایشان با ایراد خطبه‌ها و سخنان روشنگرانه، تلاش نمودند تا جامعه را از رفتن به مسیر انحراف و غرق شدن در ورطه بلا و غضب الهی ننگه دارند. نمونه‌هایی از کلمات و خطبه‌های ایشان ذکر گردید و در ادامه نیز خواهد آمد.

اما در مورد تلاش رفتاری آن سیده زنان عالم نیز موارد متعددی در تاریخ ذکر گردیده است. یکی از این موارد، دفاع جانانه آن بانوی مکرّمه از امام خویش، وقتی بود که علی علیه السلام را با زور برای بیعت به مسجد می‌بردند.^۱ حضرت زهرا علیها السلام با دفاع خویش از خلیفه بر حق رسول خدا صلی الله علیه و آله به تمامی مردم مدینه و تمامی مسلمانان در طول تاریخ درس مهمی دادند و آن درس این بود که مسلمانان همان‌گونه که در برابر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وظیفه دارند و باید از ایشان و اهداف ایشان با جان و مال و آبرو دفاع کنند در برابر جانشین رسول خدا نیز همین وظایف را دارند و باید با گذشتن از جان و تحمل جراحات و لطمات از او دفاع کنند و در مسیر تحقق اهداف الهی در حمایت از ولیّ خدا گام بردارند.

مورد دیگری که آن شفیعه محشر برای ایجاد بصیرت در جامعه به کار بست این بود که به همراه علی علیه السلام به درب خانه مهاجر و انصار می‌رفت و با آنان سخن می‌گفت، همان‌طور که در تاریخ آمده است:

علی علیه السلام فاطمه علیها السلام را بر حماری سوار می‌کرد که بر روی آن عبای پشمی انداخته بود و امام حسن و امام حسین علیهم السلام با او بودند و چهل صبح او را بر در خانه مهاجرین و انصار می‌برد و حضرت زهرا علیها السلام به آنان می‌گفت: ای گروه مهاجرین و انصار! خدا را یاری کنید. من دختر پیامبر شما هستم. شما با پیامبر در روزی که بیعت کردید، بیعت نمودید

۱. اسماعیل انصاری زنجانی، الموسوعة الكبرى عن فاطمة الزهراء، ج ۱۱، ص: ۱۳۰.

آنچه را که از خود و فرزندانان دفاع می‌کنید از پیامبر و فرزندان پیامبر نیز دفاع کنید، پس به بیعتتان با رسول خدا عمل کنید.^۱

این رفتار و گفتار حضرت زهرا علیها السلام نیز درس مهمی برای مدعیان مسلمانی در برداشت، زیرا آنها می‌دیدند که حضرت زهرا علیها السلام با حالی منقلب و جسمی مجروح به دفاع از ولایت برمی‌خیزد و این دفاع هم با رفتار و هم با گفتار صورت می‌گیرد. ضمن اینکه آن حضرت برای دفاع از امام خود، از حقوق خود به عنوان فرزند پیامبر استفاده می‌کند و نقض پیمان صحابه با رسول خدا صلی الله علیه و آله را تذکر می‌دهد و این نکته نشان دهنده وظیفه مسلمین برای دفاع از ولایت است؛ دفاعی که با تمام امکانات مشروع، حتی استفاده از حقوق شخصی فرد باید صورت بپذیرد.

اما صد حیف که تاریخ گواهی می‌دهد که هیچ یک از انصار و مهاجرین ندای فاطمه علیها السلام را لبیک نگفتند و او را تنها گذاشتند.^۲

یکی دیگر از تلاش‌هایی که صدیقه طاهره علیها السلام انجام دادند گریه کردن بود و این گریه کردن آن قدر مؤثر بود که باعث اعتراض مردم مدینه شد.^۳ زیرا فاطمه علیها السلام مردم مدینه را با این شیون و ناله به یاد پیامبر و فرمایشات آن حضرت می‌انداخت و ظلمی را که در حق امیرالمؤمنین علی علیه السلام درباره غصب خلافت شد فریاد می‌کرد. لذا مردمی که خود را به خواب زده بودند و از پذیرش و حمایت حق سستی می‌کردند، نمی‌توانستند گریه غفلت‌زدای آن حضرت را تحمل کنند. فلذا

۱. محمد بن محمد مفید، الإختصاص، النص، ص: ۱۸۴.

۲. همان.

۳. محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۴۳، ص: ۱۷۷.

همان گونه که نفس لوّامه خود را ساکت کرده بودند، سعی نمودند با اعتراض، فریاد تظلم خواهی حضرت فاطمه علیها السلام را نیز خاموش نمایند. و این گونه بود که حضرت زهرا علیها السلام در مدت کوتاهی که بعد شهادت پدر بزرگوارشان زنده بودند، به عنوان یکی از «بکائین» در طول تاریخ ثبت شده‌اند. ایشان از لحاظ میزان گریه، هم‌تراز با گریه‌های آدم علیه السلام در رانده شدن از بهشت شمرده شده است؛ در حالی که حضرت آدم علیه السلام طبق روایات آن قدر گریه کرد که اشک بر روی گونه‌هایش مثل جای جویبار جا گذاشته بود^۱ و نیز با حضرت یعقوب علیه السلام در یک ردیف قرار گرفته‌اند، در حالی حضرت یعقوب علیه السلام آن قدر گریه کرد که به تعبیر قرآن، چشم‌هایش سفید شد^۲ و نیز با امام سجاد علیه السلام که بیست یا چهل سال گریه کرد.^۳

اقدامات حضرت زهرا علیها السلام به همین جا ختم نشد بلکه آن نور چشم پیغمبر با سخنان متقن خویش در خطبه‌ای که به خطبه فدکیه معروف شده است، تمامی مسلمین را به سوی تبعیت از ولایت دعوت کردند و معارف بلندی را مطرح نمودند. گرچه این تنها خطبه آن حضرت نبود بلکه ایشان در هر موقعیتی تلاش خویش را در جهت بیداری جامعه به کار می‌بستند.

البته از این مسئله نباید غفلت نمود که فاطمه‌ای که همیشه از مواجهه با نامحرم و مردان اجنبی اجتناب می‌کند و از اینکه در تقسیم کارها با امیر المؤمنین علیه السلام، فعالیت در خانه قسمت او می‌شود بسیار خوشحال

۱. محمد بن حسن شیخ حرعاملی، وسائل الشّعة، ج ۳، ص ۲۸۱.

۲. یوسف، آیه ۸۴.

۳. محمد بن حسن شیخ حرعاملی، وسائل الشّعة، ج ۳، ص ۲۸۱.

می‌گردد همین فاطمه علیها السلام برای مقابله با انحراف و نفاق در برابر دشمن قد علم می‌کند البته در کمال پوشش؛ و این درسی برای خواهران و دختران ماست که این بصیرت فاطمی را درک کنند تا در جایی که حضور یک بانوی مؤمن انقلابی ضرورت می‌یابد با اقتداء به فاطمه علیها السلام در نهایت حجاب و عفت در جامعه حضور پیدا نماید، همان گونه که در تاریخ نقل شده است که:

أَنَّهُ لَمَّا أَجْمَعَ أَبُو بَكْرٍ وَعُمَرُ عَلَيَّ مَنَعَ فَاطِمَةَ علیها السلام فَذَكَأَ وَبَلَّغَهَا ذَلِكَ لِأَثَرِ خِمَارِهَا عَلَيَّ رَأْسِهَا وَاسْتَمَلَتْ بِجِلْبَابِهَا وَأَقْبَلَتْ فِي لُئَةٍ مِنْ حَفَدَتِهَا وَنِسَاءِ قَوْمِهَا.^۱

چون أبو بکر و عمر فاطمه بنت خیر البشر را از تصرف ضیاع فدک منع نمود و این خبر ظلم اثر به آن بضعه پیغمبر رسید، مقنعه بر تارک مبارک انداخت و چادر خود را کساء بدن اطهر خویش ساخته، با جمعی از خدمتکاران و عورات بنی هاشم و احفاد ایشان متوجه مسجد پیغمبر گردید.

از این عبارت مشخص می‌شود که حضرت زهرا علیها السلام با سه پوشش که یکی مقنعه و دیگری چادر و سومی حلقه‌ای از زنان بنی هاشم بود، به سمت مسجد روانه گردید و در مسجد نیز از پشت پرده، شروع به ایراد کلام فرمود. این نحوه رفتار نیز نشان دهنده شیوه‌ای است که برای ایجاد بصیرت در جامعه باید به کار گرفته شود که همگی باید شیوه‌هایی مشروع باشند. به عبارت دیگر این رفتار حضرت زهرا علیها السلام تعبیر عملی از این سخن معروف است که هدف، وسیله را توجیه نمی‌کند. و بدین شکل فاطمه علیها السلام الگویی را برای همه مؤمنانی که به دنبال ایجاد

۱. احمد بن علی طبرسی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، ج ۱، ص: ۹۷.

بصیرت هستند، در همیشه تاریخ ایجاد نمودند و فریاد تظلم‌خواهی و دفاع از ولایت را با ارائه‌الگویی کامل و فاخر در تاریخ ماندگار کردند.

پرورش احساس

چون ابوبکر و عمر، فاطمه علیها‌السلام را از تصرف فدک منع نمودند و این خبر به آن بضعه پیغمبر رسید، به واسطه اتمام حجت بر امت در باب طلب حق خود که حضرت سید البریه علیها‌السلام در ایام حیات خویش به ایشان بخشیده بود، مقنعه بر تارک مبارک انداخت و جلباب خود را کساء بدن اطهر خویش ساخته، با جمعی از خدمتکاران و زنان بنی‌هاشم متوجه مسجد پیغمبر گردید و مانند رسول مختار با کمال طمأنینه و وقار راه می‌رفت و چون به مسجد رسید و ابوبکر با عمر و جمعی از انصار و مهاجر و غیر آنان حاضر بودند، حضرت فاطمه علیها‌السلام چادر بر پیش روی خویش حایل گردانیده بنشست.

پس آن گاه ناله و آه بر کشید به نوعی که تمامی قوم شروع در گریه و زاری نمودند و از ناله آن حضرت، به غایت مضطرب گشتند و پس از اینکه مردم از گریستن قرار گرفتند، افتتاح کلام به حمد ایزد علام نموده و شروع در صلوات سید البریات علیها‌السلام فرمود و باز مردم شروع در گریه و بکاء نمودند. حضرت فاطمه علیها‌السلام نیز اندک زمانی صبر کرد؛ چون قوم از گریه ساکت گشتند، پس از ایراد سخنانی در مورد خویش و یادآوری رشادت‌های علی علیه‌السلام، روی به صحابه فرمود و گفت:

اکنون که خدای تعالی پیامبر خود را به سرای انبیاء و برگزیدگان خود نقل مکان فرمود؛ میانتان کینه‌های باطنی ظاهر گشت و جامه دین کهنه و بی‌رونق شد و گمراه‌بی‌زبان به سخن آمد و فرد بی‌نام و نشان

معروف گشت و سر کرده اهل باطل صدای زشت خویش را بلند نمود و قدم به ساحت شما نهاد و شیطان با نیرنگ و فریب شما را تحریک کرد و پاسخ مثبت شنید و شما را فریب خورده دید و برای او امر خود آماده به خدمت یافت و شما را به خشم آورد و به هدف خود رسید و شما اعتدال عمل را از دست داده و گمراه شدید.

الحال زمانی نگذشته، دامنه جراحات گسترش یافته و گویی ناعلاج شده و هنوز جسم شریف پیامبر در قبر مستقر نشده بود، که حریصانه آشوب کردید و اعمال خود را جلوگیر از فتنه می‌پنداشتید، بدانید که این مردم هنگام امتحان باختند و جایگاه مردم کافر جهنم است؛ این اعمال از شما به دور است و جای چه عجب است و چگونه دروغ می‌گویید؟ در حالی که کتاب خدا در میان شما است، قرآنی که ظاهر و احکامش روشن و حقایق آن آشکار و نواهی آن واضح و اوامرش صریح است، آیا کلام خدا را پشت سر انداختید؟ یا از آن اعراض کرده‌اید؟ چه تبدیل بدی کردند ستمگران و هر کس جز اسلام را پیروی کند، از او پذیرفته نخواهد شد و در سرای آخرت از زیانکاران خواهد گشت. سپس آن قدر صبر نکردید که بحران و جوش این مصیبت فرو کش کند و خروش آن آرام گیرد و بلافاصله اقدام به دامن زدن و افروختن آتش کردید، و شراره‌های فساد مردم را شعله‌ور ساختید و دعوت شیطان را اجابت نموده و گمراه شدید، پس انوار دین مبین حق را خاموش و احکام و سنّت‌های رسول خدا را ترک نمودید. شما به بهانه‌های واهی اهداف شوم خود را به اجرا گذاشته و در واقع به اهل بیت پیامبر خیانت و ستم نموده و هر چه خواستید کردید، ما در مقابل شما صبر می‌کنیم، همچون صبر در برابر تیزی و برش کارد و طعنه نیزه‌ها، حال شما می‌پندارید که

مرا هیچ ارثی نیست. مگر از احکام جاهلیت پیروی می کنید؟^۱

رفتارسازی

انسان برای بصیرت بخشیدن به جامعه و ایجاد آگاهی در بین مؤمنان لازم است که از ابزارهای مشروع استفاده نماید، تا حق را آشکار سازد. در اینجا نحوه برخورد حضرت زهرا علیها السلام برای دفاع از حق خویش و نشان دادن چهره واقعی دشمن را ذکر می نمایم.

زمانی که پیامبر صلی الله علیه و آله از دنیا رفت و ابوبکر به جای پیغمبر نشست، و کیل فاطمه علیها السلام را از فدک اخراج کرد.

حضرت زهرا علیها السلام به نزد ابوبکر آمد و گفت: ای ابوبکر! ادّعی خلافت پیامبر را داری و به جای او نشستی، در حالی که وکیل مرا از فدک اخراج کردی و حال آنکه تو می دانی که پیامبر فدک را به من هدیه داد و من شهودی بر این مطلب دارم.

ابوبکر گفت: پیامبر چیزی به ارث نمی گذارد.

پس فاطمه علیها السلام به نزد علی علیه السلام برگشت و ماجرا را توضیح داد. امام علی علیه السلام فرمود: به او بگو چگونه پیامبر چیزی به ارث نمی گذارد، در حالی که قرآن می فرماید: «وَوَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُدَ»^۲ و در حالی که یحیی از زکریا ارث برد. پس چرا من از پدرم ارث نبرم؟

وقتی حضرت زهرا علیها السلام این پاسخ را به ابوبکر داد، ابوبکر گفت: تو را تعلیم داده اند.

حضرت زهرا علیها السلام هم فرمود اگر کسی به من تعلیم داده آن شخص

۱. احمد غفاری مازندرانی، الإحتجاج علی أهل اللجاج (للطبرسی)، ج ۲، ص: ۲۷.

۲. سوره نمل، آیه ۱۶.

پسر عمویم و شوهرم بوده است.

سپس ابوبکر گفت: عایشه و عمر شهادت می دهند که از پیامبر شنیده اند که فرموده است که پیامبر چیزی به ارث نمی گذارد.

حضرت زهرا علیها السلام فرمود: این اولین شهادت دروغ و ناحقی است که آنها در مورد اسلام داده اند.

سپس حضرت زهرا علیها السلام فرمود: من بر این که پیامبر فدک را به من هدیه داده است، بیّنه دارم.

ابوبکر گفت: بیّنه ات را بیاور.

سپس حضرت زهرا علیها السلام جناب امّ ایمن و حضرت علی علیه السلام را به عنوان شاهد آورد.

ابوبکر به جناب امّ ایمن گفت: آیا تو آنچه را که فاطمه علیها السلام می گوید از پیامبر شنیده ای؟

سپس علی علیه السلام و جناب ام ایمن گفتند: ما از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدیم که فرمود فاطمه علیها السلام سرور زنان بهشت است.

سپس امّ ایمن گفت: آیا سرور زنان اهل بهشت چیزی را که مال خودش نیست، ادعا می کند؟ و من زنی از اهل بهشت هستم و آنچه را که از خود پیامبر شنیدم، نقل می کنم.

ابوبکر گفت: این داستان ها را رها کن. به چه چیزی شهادت می دهی؟

جناب امّ ایمن گفت: روزی در خانه فاطمه علیها السلام نشسته بودیم و پیامبر صلی الله علیه و آله نیز نشسته بود، تا اینکه جبرئیل بر پیامبر نازل شد و گفت ای محمد بر خیز. خداوند به من دستور داده که محدوده فدک را با بال های خودم علامت گذاری کنم.

پس من در آنجا ماندم تا اینکه پیامبر باز گشت.

پس فاطمه عليها السلام گفت: ای پدر کجا رفتی؟
 پیامبر فرمود: جبرئیل محدوده فدک را معین کرد.
 سپس فاطمه عليها السلام گفت: ای پدر! من از فقر و تنگدستی بعد از تو
 می‌ترسم. فدک را به من صدقه بده.
 پس پیامبر صلى الله عليه وآله فرمود: فدک مال تو باشد.
 سپس پیامبر صلى الله عليه وآله رو به من و علی عليه السلام کرد و فرمود: شما دو نفر شاهد
 باشید.
 در این هنگام ابوبکر گفت: تو زن هستی و شهادت یک زن به تنهایی
 کفایت نمی‌کند و علی عليه السلام هم به نفع خودش شهادت می‌دهد.^۱

روضه

آری فاطمه اطهر عليها السلام تمام تلاش خویش را برای کمک به جامعه
 اسلامی به کار بست.
 بر طبق نقلی پس از خطبه و شهادت شهود، حضرت زهرا عليها السلام اولین
 پیروزی خود را به دست آورد و به همگان نشان داد که حق با اوست
 و عمر و ابوبکر ظالم هستند و دست نوشته‌ای از ابوبکر برای در اختیار
 داشتن فدک گرفت، ولی مصیبتی در اینجا رخ داد. در روایت دارد که
 فرمود:

فَلَقِيَهَا عُمَرُ فَقَالَ يَا بِنْتَ مُحَمَّدٍ مَا هَذَا الْكِتَابُ الَّذِي مَعَكَ فَقَالَتْ كِتَابُ
 كَتَبَ لِي أَبُو بَكْرٍ يَرِدُ فِدَاكَ فَقَالَ هَلُمِّيهِ إِلَيَّ فَأَبْتُ أَنْ تَدْفَعَهُ إِلَيْهِ فَرَفَسَهَا
 بِرِجْلِهِ وَكَانَتْ حَامِلَةً بِابْنِ اسْمِهِ الْمُحْسِنُ فَأَسْقَطَتِ الْمُحْسِنَ مِنْ بَطْنِهَا

۱. محمد بن محمد مفید، الإختصاص، النص، ص: ۱۸۳.

تَمَّ لَطَمَهَا فَكَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى قُرْطٍ فِي أُذُنِهَا حِينَ نُقِفَتْ ثُمَّ أَخَذَ الْكِتَابَ فَحَرَقَهُ ۱
 پس عمر ایشان را دید و گفت: ای دختر محمد این نوشته که همراه
 توست چیست؟ حضرت فرمودند: این نوشته ایست که ابوبکر آن را
 در مورد بازگرداندن فدک برای من نوشته است. پس عمر گفت: آن
 را به من بده؛ پس حضرت امتناع فرمودند؛ پس در حالی که ایشان به
 فرزندی به نام محسن باردار بودند، عمر با لگد به ایشان زده، پس
 محسن از شکم ایشان سقط شد. سپس سیلی به صورت ایشان زد.
 چنین است که انگار من وقتی را که گوشواره از گوش ایشان افتاد،
 می بینم. سپس نوشته را گرفته و پاره کرد.

شد فدک، بعد از پیمبر، کفر و ایمان را محک
 کرد رسوا خویشتن را دشمن از غضب فدک
 فاطمه، لطف خفی، روح نبی، جان علی است
 آنکه ذکر خیر او باشد همه ورد ملک
 عالم از امّ ابیها نور هستی چون گرفت
 دارد او بر گردن خلق جهان حق نمک
 حضرت صدیقه اطهر، نمی گوید خلاف
 کذب قول آن منافق هم، ندارد هیچ شک
 صحبت از ارث و وراثت، خود کمال ابلهی است
 پیش بانویی که مهر او سما است و سمک
 از نبی گیرم، نماند ارث بر فرض محال
 حق ذی القربای پیغمبر، نبود از ماترک

مردکی، مردم فریبی، با ریایی، بی حیا
 آن که اندر مکتب شیطان بود شاگرد یک
 شد سراپا مست دنیا، زد به عقبی پشت پا
 نام خود در لوح اعدای محمد کرد حک
 با دروغ و ظلم بهتان بست باب علم را
 باطل آمد جای حق چون دید حق را بی کمک
 وای در محراب قدس و منبر طاها نشست
 خائنی پست و منافق با دوسد دوز و کلک
 جلوه گر صبر خدا، تیغ ید الله در نیام
 رفته خیر المرسلین و مرتضی مانده است تک
 در چنین دور خطرناک و زمان فتنه بار
 نطق زهرا کرد رسوا خائنان را یک به یک
 جسم او چون گوهری بشکست و پنهان شد به خاک
 در پی او سالها بیهوده می گردد فلک
 قبر زهرا مخفی و قبر امامان در بقیع
 لیک در بیت محمد آن دو غاصب مشترک
 در لهیب عشق و غیرت سوزد و گوید حسان
 العجل یا حجت المهدی، یدالله معک